

# دستآورد اتحاد

و

## پیامد اختلاف

مسین شفائی

و چکسلواکی جزء کشورهای بلوک شرق می‌گردد. زمانی که ملت مبارزه، سلحشور، مقاوم و نستوه ما به دعوت «روحانیت متعهد» دست به قیام زد و راه جهاد را بر تسلیم شدن به مارکسیستها برگزید، گرچه در آغاز نهضت، خیلی از تحلیلگران مادی و ناآشنا با روحیه ملت ما می‌پنداشتند که این حرکتها و خیزشها مقطعی و ناشی از احساس است، اولاً در برابر دولت تاب نمی‌آورند و سرکوب می‌شوند. ثانیاً وقتی کاری نتوانند به مرور ایام خود خسته و زده می‌گردند و تسلیم‌خواسته رژیم می‌شوند و زیر بار دولت مارکسیستی می‌روند و.... ولی مردم متدین ما در پرتو امدادهای غیبی و پایداری و استقامت، نه تنها توانستند در برابر آنها و ارتش سرخ شوروی ایستادگی کنند که موفق شدند پوزه مارکسیسم را بشکنند و پویایی مکتب حیات‌بخش اسلام را بر مکتب مارکسیسم به نمایش بگذارند و این کار، کار کوچک نبود و فراموش شدنی نیست.

لکن پس از سقوط رژیم کمونیستی عملکرد بیشتر گروههای جهادی به گونه‌ای بود که باعث خوشحالی

مکتب حیات‌بخش اسلام که تمام برنامه‌های آن: عبادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و... در جهت عزت، عظمت، و رشد فرد و جامعه است. مسأله‌ای را که به آن بسیار تأکید نموده «اتحاد» و موضوعی را که از آن زیاد نهمی کرده «اختلاف» امت مسلمان است. در قرآن کریم و سفارشهای پیشوایان دین «دستآورد اتحاد» را برشمرده و نقش وحدت، انسجام و هماهنگی را بازگو فرموده‌اند و «پیامد اختلاف»، نفاق و نزاع را بیان داشته و از مبادرت به هر عملی که باعث ایجاد پراکندگی، دوئیت و شکاف در میان جامعه شود، منع فرموده‌اند.

وقتی در ۷ ثور ۱۳۵۷ در سرزمین اسلامی افغانستان کودتای ننگین مارکسیستی با طرح، نقشه و همکاری شوروی صورت گرفت و نظام کمونیستی روی کار آمد و برنامه خشونت و دیکتاتوری را در پیش گرفت و به دستگیری و کشتار مسلمانها پرداخت، بیشتر مردم جهان و اکثر سیاستمداران دنیا بر این باور بودند که افغانستان به کام شوروی می‌رود و بسا لاقلاً همانند یوگسلاوی



مردم افغانستان و سبب ناراحتی شدید و تاترعمیق

دلسوزان به اسلام و مردم ما گردید. جنگهای که در طی

این سه سال بر کشور ما بخصوص بر مردم کابل پدید آمد

و این همه تلفات جانی خسارات مالی و ویرانی به

بار آورد و این همه تراژدی و فاجعه آفرید و... دل

هر انسان با وجدان را به درد می آورد و قلب هر انسان

با غیرت را خون و جریحه دار می نماید بدین دلیل بود

که شخصیتهای جهان اسلام احزاب اسلامی

سایر کشورها نمایندگی بسیاری از دولتها، کفرانس

اسلامی ملل متحد و... با انگیزه های متفاوت در

راستای ایجاد تفاهم و وحدت و برچیدن اختلاف از میان

گروههای افغانی گامهایی برداشتند که با کمال تأسف

هیچ تلاشی نتیجه نبخشید و هیچ راه حلی مؤثر واقع

نشد.

اخیراً (۷۴/۳/۱۳) حضرت آیه الله خامنه ای مدظله

العالی طی پیامی مردم افغانستان و بخصوص شیعیان

آن کشور را به توقف جنگ فرا خواندند و درگیری

را شرعاً حرام اعلام داشتند بدین جهت مناسب دیدیم

دیدگاه اسلام را درباره «دستاورده اتحاد و پیامد

اختلاف» بطور فشرده بیان داریم.

**سفارش اسلام به اتحاد**

اسلام که خواهان اقتدار و عزت ملت مسلمان، در کنار

سایر برنامه های عظمت آفرین: تأکید به فراگیری علم

و دانش، سفارش به قوی و نیرومند بودن و ترغیب به

کار و فعالیت اقتصادی و... به وحدت، هماهنگی

و انسجام توصیه اکیدی نماید و آن را به عنوان وسیله

حفظ هویت و موجودیت جامعه اسلامی و نیروی

بازدارنده از آسیب و صدمه لازم و حیاتی می داند و

مسلمانان را به انتخاب آن، در امور خانوادگی،

اجتماعی، تشکیلاتی، سیاسی و نظامی فرا می کشد

خواند:

واعتصم و بحیل الله جمعياً ولا تفرقوا. ۱.

همگی به ریسمان الهی چنگ بزنید و از هم پراکنده

نشوید.

اگر می خواهید خانواده آبرومندی باشید و دیگران به

شما به دید احترام بنگرند، با هم گرم، صمیمی و متحد

باشید، اگر می خواهید جامعه ای نیرومند و محترم

باشید، اتحاد جامعه با هم، مهربان، رتوف و صداقت

داشته باشند، اگر علاقه دارید ارتش قدرتمند و سپاه

نیرومند باشید تمام نیروهای نظامی اعم از فرماندهان

افسران و سربازها با هم بر مبنای هماهنگی و انسجام

رفتار کنند، چنانچه طالب اقتدار و ابهت کشورمان

هستند، لازم است، تمام ملت یکپارچه و منسجم دنبال

تحقق اصول سیاسی و خط مشی نظام باشند، تا آن آرمان

والاتحقق وعینیت یابد.

انما المؤمنون اخوة. ۲.

مؤمنان برادر یکدیگرند.

شما از هر شهر، هر کشور، هر قبیله، هر نژاد و هر طایفه هستید

و در هر موقعیت اجتماعی می باشید، حاکم یا محکوم،

دانشمند یا بیسواد، ثروتمند یا تهیدست، وقتی ایمان

دارید و جزء مؤمنین محسوب می گردید و با سایر مؤمنان

برادر دینی هستید، دیگر دوئیت پراکندگی، نزاع،

جدال، کشمکش مفهوم ندارد و فاصله گرفتن و دوری

جستن بی معنی می باشد، باید در فراز و نشیب زندگی به

درد هم بخورید، مشکلات هم دیگر را رفع

کنید، گرفتاری یکدیگر را برطرف سازید و هر یک نسبت

به دیگری غمخوار هم و مونس هم باشید.

علاوه بر مفاد این آیه مبارکه، احادیث و روایات متعدد



امام (ع) با تشبیه زیبا، جامعه را به یک پیکر و افراد آن را به اعضای یک جسم تشبیه می‌فرماید، که چنانکه بیماری و مرض عضوی را به درد آورد، سایر اعضای بدن نیز سالم نمی‌ماند و به درد می‌آیند، در جامعه اسلامی و در محیط اخوت و برادری نیز وقتی فردی دچار درد فقر، درد جهل، درد بی‌عدالتی، درد ظلم، درد حق تلفی گردند، سایر افراد جامعه و اعضای این پیکر نیز از آن درد و سوز مصون نمی‌ماند چه به نحوی در رنج و فشار آن دردها گرفتار گردند و چه از پیشامد بر دیگران متأثر، ناراحت و غمگین شوند، و در هر صورت آسایش و آرامش را از آنان سلب می‌کنند و تعادل جامعه را مختل می‌دارند.

بدین کیفیت ملاحظه می‌فرمایید اسلام عزیز که طالب عزت و اقتدار مسلمین است، در مرحله نخست، امت اسلامی را به همفکری، اخوت، اتحاد و همکاری فرامی‌خواند و در مرحله بعد، از اختلاف و تشتت باز می‌دارد.

### نهی اسلام از اختلاف

مکتب عزت آفرین اسلام که می‌خواهد پیروانش خوار و حقیر نباشد، به شیوه‌های مختلف و از طریق گوناگون و با تعبیرها و الفاظ متفاوت، جامعه را به رفتن در مسیر عزت و روند تکامل، ارشاد، هدایت و راهنمایی نموده است. و در این راستا، امت اسلامی را به یگانگی و وحدت دعوت نموده و پس از سفارش به اخوت، برادری، همفکری، همکاری و اتحاد، از پراکندگی، دوئیت، اختلاف و نزاع نهی کرده و پیامد کشمکش و تشتت و تبعات مخاصمه و درگیری را مطرح داشته است:

و ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاتقون. فتقطعوا امرهم بینهم زیرا کل حزب بما لدیهم فرحون. فذرهم فی غمرتهم حتی حین.<sup>۶</sup>

همه شما امت واحدی هستید و من پروردگار شمایم از مخالفت فرمان من بپرهیزید، اما آنها کارهای خود را به

از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام در اختیار داریم که تفسیرکننده این آیه شریفه و بیانگر جایگاه رفیع وحدت در جامعه است.

پیامبرگرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

مثل الاخویین مثل البیدین یغسل احدهما الاخر.<sup>۳</sup>  
مثل دو برادر دینی همانند دو دست است که هر کدام دیگری را می‌شوید.

یعنی چنانکه از یک دست در جهت زدودن چرک و کثافت و برطرف ساختن گرد و خاک کاری ساخته نیست، و باید دستی در پی پاک کردن و شستن دست دیگر باشد، دو برادر نیز باید با کمک و همکاری یکدیگر نقایص خود را برطرف سازند و در جهت مشکلات و فشارهای فردی و اجتماعی به همدیگر یاری و مساعدت نمایند.

حدیث دیگری از آن حضرت داریم که می‌توان این را تفسیر و تبیین آیه شریفه و شرح و توضیح حدیث قبلی دانست:

المسلم اخوالمسلم لا یظلمه ولا یخذله ولا یسلمه.<sup>۲</sup>

مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم روا نمی‌دارد، از باریش دریغ نمی‌کند و در پیشامدها تنه‌ایش نمی‌گذارد.

مسلمانها با هم برادرند و برادری حق و حقوق متقابل دارد، باید احترام همدیگر را داشته باشند، از ظلم، تعدی و تجاوز به حق، مال و حیثیت یکدیگر خودداری کنند و در پی خورد کردن و بردن آبروی یکدیگر نباشند. در گرفتاریها پیشامدها و ناملايمات زندگي به همدیگر رسیدگی نمایند و در تنگناها از کمک، دستگیری و همکاری دریغ نورزند.

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

المؤمن اخوالمؤمن، کالجسد الواحد، اذا اشتكى شيئاً منه وجد الم ذلک فی سایر جسده، و ارواحهما من روح واحدة.<sup>۵</sup>

مؤمن برادر مؤمن است، به منزله یک پیکرند، اگر عضوی گرفتار درد شود، به سایر اعضا سرایت می‌نماید و روحشان از یک روح می‌باشد.



بدون تردید، اساس و بنای امور این دنیا بر پایه سبب و مسبب، علل و عوامل استوار است، پیروزی و شکست، دستیابی به مراد و نرسیدن به آرمان، علم و جهل، پیشرفت و عقب ماندگی و... مرهون یک سلسله اسبابهاست، آنکه در جهت هدف گام برداشت و با موانع به مبارزه برخاست و در روند حرکت استقامت ورزید، به مقصد خواهد رسید. این آیه شریفه گرچه شأن نزولش در مسأله جهاد و یک دستور نظامی است ولی مفهوم آن مطلق است و بیانگر یک اصل کلی می باشد که هر جمعیت، گروه، جامعه، ملت و کشوری که دشمن را فراموش کنند و در کمین بودن خصم را نادیده بگیرند و بجان هم بیفتند و به سر و کله همدیگر بزنند، قدرت و نیرویشان به تحلیل می روند و ضعیف، سست و ناتوان می گردند و آنگاه عظمت و ابهتشان را در نزد دشمن از دست می دهند و سپس دشمنی که از اقتدار و عظمتش خواب نمی رفت، به آنان به دیده حقارت می نگرند و...

مولای متقیان علی علیه السلام می فرماید:

والزمو السواد الاعظم فان يدالله مع الجماعة، وایاکم والفرقة، فان الشاذ من الناس للشيطان، کما ان الشاذ من الغنم للذئب.

همراه جمعیتهای بزرگ باشید که دست خدا با جماعت است، و از پراکندگی بپرهیزید که انسان تنها بهره شیطان است، آنچنانکه گوسفند تنها طعمه گرگ می شود.<sup>۹</sup> از پراکندگی و تکروری بپرهیزید و به دریای موج اجتماع بپیوندید که می توان نمود قدرت پروردگار را در نیروی ملت متبلور یافت، زیرا اگر ملت منسجم، یکپارچه و یس و واحده باشد، هیچ قدرت اهریمنی و هیچ رژیم استبدادی و هیچ فرد دیکتاتور و سفاک تاب مقاومت در برابر اراده ملت و نیروی مردمی را ندارد، ولی اگر مردم متفرق و پراکنده باشند و هر گروه به فکر تحقق هدف و مرام خود باشد و هر تشکیلات در پی برآورده شدن منافع خویش باشد و هر شخصیت مذهبی، سیاسی،

پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند، هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند. آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی که مرگشان فرا رسد.

این آیه شریفه، کمال و سعت نظر اسلام و میزان اهمیت وحدت و تأثیر منفی تفرقه را می رساند که گذشته از مسلمانها، پیروان همه ادیان الهی و تمام خداپرستان را به وحدت فرا می خواند و از پراکندگی، تفرقه و رودر روی هم قرار گرفتن و کشمکش باز می دارد تا از این ناحیه ضربه و لطمه به پیروان هیچ آیین وارد نگردد و هنگامی که از ناحیه نصیحت شنوی آنها مأیوس می شود خاطر نشان می سازد که نتیجه این اختلاف مرگ و نابودی خواهد بود. ولا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البینات.<sup>۷</sup>

و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه نشانه های روشن به آنان رسید.

انسانها از نظر گرایش فکری، پذیرش اندیشه و انتخاب راه متفاوتند، برخی هنگامی با تتبع، پژوهش و ادله ای به باوری رسیدند و به آن معتقد شدند، در آن عقیده استوار و ثابت قدم می مانند، اگر کوه از جا کنده شود آنان در عقیده شان پابرجا ایستاده هستند، بعضی سست عنصر و مزبذب هستند، با هر ادله قرص و برهان محکم ابدی ای را برگزینند، در برابر استدلال دیگر از آن صرف نظر می کنند و تغییر عقیده می دهند مانند قوم بنی اسرائیل که با دیدن معجزات متعدد خداپرست شدند ولی در غیاب حضرت موسی علیه السلام با هنرنمایی و نیرنگ بازی «سامری» از یکتاپرستی به گوساله پرستی گرویدند و... این آیه شریفه می آموزد که وقتی با بینات روشن و ادله متین آیینی را برگزیدید و در راهی شتافتید، دیگر متزلزل نشوید و هنگام برخورد با سایر دیدگاهها، به معتقدات خویش شک پیدا نکنید و در هر مسأله تردید به دل راه ندهید.

ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم.<sup>۸</sup>

و نزاع مکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود.



و تمام ملت نسبت به آنها عشق می‌ورزند، مانند: آزادی، عدالت، امنیت و اتحاد، و از اموری، انسان نفرت دارند مثل: ظلم، تبعیض، خفقان، ناامنی و اختلاف و... با وجود این، هستند کسانی که در جهت براندازی آزادی همت می‌گمارند، در راستای ایجاد اختناق سعی و تلاش می‌کنند، بخاطر بهم زدن آرامش و امنیت محیط وقت تلف می‌نمایند و برای پدید آوردن دو دستگی و نفاق در جامعه یا کشور می‌کوشند و نقشه، طرح و برنامه می‌ریزند.

وقتی «اختلاف» از این مقوله است که همه مردم از آن نفرت دارند، باید عوامل اختلاف را شناخت و پی برد که چرا این امر به وجود می‌آید، چرا این آفت ویرانگر در همه جا سایه افکنده، چگونه کانون گرم خانواده‌ها را به هم می‌زند و زندگی شیرین انسان را تلخ می‌گرداند، چطور محیط گرم جامعه را سرد می‌نماید، شهرها را ویران می‌کند و کشورها را تباه و روزگار مردم را سیاه می‌دارد.

پاسخ این پرسشها و جواب این معماها را می‌توان در لابلای کلام وحی «قرآن» و فرموده‌های پیشوایان دین «حدیث» دریافت و جواب قناعت بخش و راه حل معقول و منطقی جستجو کرد.

با داود انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله.<sup>۱۱</sup>

ای داود ما تو را خلیفه در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد.

این آیه شریفه که در مقام بیان کیفیت قضاوت و شیوه داوری برای حضرت داود (ع) است، برای آن حضرت هشدار می‌دهد که متوجه باش در جریان داوری، در جریان حکومت و در جریان اعمال قدرت و در جریان تنفیذ حکم «هوای نفس» بر تو نفوذ نکند و کششها و گرایشهای نفسانی تو را به جانبی نکشاند و از مسیر حق و صراط صدق باز ندارد و در راه انحراف، ضلالت و گمراهی سوق ندهد.

وقتی خطر گرفتاری «هوای نفس» پیامبر خدا و خلیفه

اجتماعی، نظامی و فرهنگی به دنبال رسیدن به آرزو، خواسته و مقصدش باشد، اسپر و سوسه ابلیس و گرفتار دام شیطانها می‌گردند و هیچکس، هیچ جریان و هیچ تشکیلات به هدف و آرمان خود نمی‌رسد، چنانکه گوسفند بریده از گله به چنگ گرگ درنده می‌افتد.

و نیز آن حضرت می‌فرماید:  
وان الله سبحانه لم یعط احداً بفرقة خیراً ممن مضی  
ولا ممن بقی.<sup>۱۰</sup>

خداوند سبحانه به هیچکس نه گذشتگان و نه باقیمانندگان در اثر تفرقه خیری عطا نفرموده است.

هر هدف، هر مرام و هر خواسته مکتبی، ملی و سیاسی دارید و می‌خواهید به آن دست یابید و آرمانتان عینیت پیدا نماید، بدانید که با پراکندگی و تفرقه به آن نخواهید رسید، نه گذشتگان که برای رسیدن به هدف به جان هم افتادند و سر و کله همدیگر را خرد نمودند و خونها ریختند و فاجعه و تراژدی آفریدند توانستند به هدف برسند، و نه شما و آیندگان از طریق توسل به خشونت و زور، اعمال قدرت و درگیری خواهید توانست به مرام و آرزویان نایل شوید، پس در فکر سلطه، حاکمیت و ستم به دیگران نباشید و اندیشه به بند کشیدن غیر را از مغزتان بیرون کنید و با هم کنار بیایید، مسایل مختلف فیه‌تان را از راه تفاهم حل نمایید و مشکلات خانوادگی، قومی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی را با مذاکره و منطق فیصله کنید.

از مفاد آیات شریفه و فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام به دست آوردید که اسلام چگونه از تفرق و پراکندگی، اختلاف، نزاع و درگیری منع می‌دارد و آنرا به هر شکل و در هر سطح، عامل انحطاط اخلاقی، عقب ماندگی سیاسی و شکست نظامی می‌شمارد.

### عوامل اختلاف

نسبت به بعض امور، همه مردم علاقمند و شیفته‌اند



امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سرچشمه آشوبها و منشأ فتنه‌ها و عامل پراکندگیها را، سه چیز می‌شمارد: هوای نفس، احکام و فتوهای برخلاف ما انزل الله و ترویج و تبلیغ دسته‌ای از آن:

انما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع، واحکام تبتدع، یخالف فیها کتاب الله، ویتولی علیها رجال رجالاتاً، علی غیر دین الله.<sup>۱۳</sup>

همواره آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هوسهای آلوده و احکام و قوانین مجعول است، احکامی که با کتاب خدا مخالفت دارد، و جمعی بر خلاف آیین حق به حمایت از آن برمی‌خیزند.

ریشه‌یابی فتنه‌ها، ارزیابی آشوبها و بررسی اختلافها، نزاعها، درگیریها، جنگها و خونریزیها، چه در سطح کشورها، چه در سطح گروهها، چه در سطح طایفه‌ها، چه در سطح خانواده‌ها و چه در سطح شخصیتها، صدق فرمایش و حسن تشخیص این جامعه‌شناس بزرگ اسلام را اثبات می‌نماید و این نظریه علمی حضرت، به ما و امت اسلام می‌آموزد که چنانچه می‌خواهید در سرزمین امن، پر مهر و محبتتان و در جمع باصفا و صمیمیتان درخت فتنه نروید و نهال آشوب سبز نکند با «بذر» آن که «هوای نفس» است مبارزه کنید و مجال ندهید از این «بذر» در مزرعه‌تان بکارند، اگر بر اثر بی‌توجهی یا سهل‌انگاری شما آنرا کاشتند یا تخم آنرا پاشیدند، خواه ناخواه عده‌ای به آبیاری و پرورش آن می‌پردازند، و بعد از نمو و رشد، طبیعی است که خریدار و مشتری پیدا می‌کند و آنگاه روزگارتان را سیاه و زندگیتان را تلخ و حق و باطل را برایتان مشتبه می‌نماید، و آن زمان آه و افسوس دردی را دوا نمی‌کند، غم و غصه مشکلی را رفع نمی‌نماید و گریه و ماتم فایده و ثمر ندارد. بنابراین در مرحله نخست با «هوای نفس» به مبارزه برخیزید تا آنرا مهار کنید، و در مرحله دوم از علماء غیر متعهد که بی‌مورد حکم جهاد صادر می‌کنند دوری جوید و فاصله بگیرید، و در مرحله

الهی را تهدید نماید، ما باید چه اندازه متوجه عملکرد و تصمیمات خود باشیم و نسبت به نیتها و اغراض خویش غفلت نکنیم، که در دام «هوا» گرفتار نشویم و با تور «هوس» صید نکرده‌ایم تا خدای نکرده، عزت، شرف، خونبهای شهداء و آرمان مکتبی و ملی خویش را قربان تحقق آرزوها و امیال نفسانی و غرایز شهوانی نماییم و خود را در پیشگاه خدا، ملت و تاریخ شرمنده و سرافکننده سازیم.

یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین والاقربین ان یکن غنیا او فقیراً فالله اولی بهما فلا تتبعوا الهوی ان تعدلوا.<sup>۱۴</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه به زیان خود شما یا پدر و مادر یا نزدیکان شما بوده باشد، چه اینکه اگر آنها غنی یا فقیر باشند خداوند سزاوارتر است که از آنها حمایت کند، بنابراین از هوا و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد.

اجرای عدالت و مبارزه با تبعیض، بی‌عدالتی و ستم، کار دشوار، سخت و مشکل است، در میدان شعار همه می‌توانند آن الفاظ دل‌چسب را بر زبان آورند و بسیاری از مردم ساده لوح و سطحی‌نگر را بفریبند و دور خود جمع کنند و تحت آن عنوانها، بخش از ملت را جذب و فریفته خویش نمایند ولی در مقام عمل، اجرای مقررات و تطبیق قانون و پیاده نمودن آن اصول، به همین سادگی حق می‌گویند گرچه به ضررشان، به زیان بستگان و به رفتن آبروی دارو دسته و تشکیلاتشان منجر گردد، یا در اینگونه موارد کوتاه می‌آیند، واقعیتها را نمی‌گویند و حقایق را پوشیده می‌دارند. اینجاست که اگر اسیر هوا و بنده هوس نباشند، با صراحت و بی‌پروا به حقایق اعتراف می‌کنند، تقصیر یا قصور را قبول می‌نمایند لکن چنانچه انسان خودساخته و مهذب نباشند و زمامشان در کف «هوای نفس» باشند، به توجیه اشتباه و تعلیل لغزش خویش می‌پردازند.



و کشمکشهای اجتماعی و سیاسی مردم و «عامل اختلاف» ملتها، «هواپرستی» را می دانند و راه رهایی و نجات از این گرفتاری و رمز غلبه بر این عوامل، خودسازی، تزکیه و تهذیب نفس را نشان می دهند.

### نفاق افکنها

انسان بطور فطری و سرشت ذاتی علاقمند به زندگی اجتماعی، در کنار هم زیستن و دور هم بودن است، چگونه می شود که امرشان به اختلاف، نزاع و خصومت کشیده می شود و رو در روی هم قرار می گیرند و به درگیری، جنگ و نابودی هممنوع خود کمر می بندند، پیدا است که عواملی دست بدست هم می دهند تا انسان را که دارای مهر و عاطفه، عقل و اندیشه است به از بین بردن انسان دیگر و می دارد، که می توان این عوامل را در دو بخش: درونی و بیرونی تقسیم نمود. در بحث «عوامل اختلاف» مهمترین عامل درونی «هوای نفس» را برشمردیم، در کنار آن، عوامل بیرونی نیز نقش بسزا و تأثیر مؤثر دارد.

نفاق افکنان بیرونی، روزی در قیافه «فرعون» تبلور پیدا می نماید، روزی در چهره «معاویه» به وجود می آید، روزی در لباس «قیاضی شریح» در میان ملت شکاف وارد می سازد، روزی به صورت «انگلیس» عینیت پیدا می کند و امروز هم در هزار چهره، هزار رنگ، هزار لباس، هزار روش، آشکار و پنهان، مستقیم و غیر مستقیم در سطح جهان اسلام و کشور ما دست به کارند تا در قدم اول بین مردم نفاق و نزاع ایجاد نمایند و در مرحله دوم مانع اتحاد و انسجام آنان گردند.

قرآن کریم، فرعون را مصداق کامل و نمونه بارز چهره نفاق افکن و اختلاف انداز معرفی می دارد:

ان فرعون علفی الارض و جعل اهلها شیعاً يستضعف طائفة منهم یذبح ابناءهم و يستحیی نساءهم. ۱۵

فرعون برتری جویی در زمین کرد و اهل آنرا به گروههای مختلفی تقسیم نمود، گروهی را به ضعف

سوم مردم را ارشاد و هدایت کنید تا در آن وادی نروند و دنبال آنان را نگیرند. و نیز آن حضرت می فرماید:

ایها الناس، ان اخوف ما اخاف علیکم اثنان: اتباع الهوی و طول الامل فاما اتباع الهوی فیصد عن الحق، و اما طول الامل فینسی الاخرة. ۱۴

ای مردم! ترسناکترین چیزی که از آن بر شما هراس دارم دو چیز است: پیروی از هوا و هوس و آرزوهای طولانی، اما تبعیت از هوا و هوس انسان را از راه حق باز می دارد و آرزوهای طولانی آخرت را به دست فراموشی می سپارد.

همانگونه که انسان از پشت عینک دودی، جهان روشن و آفتابی را تاریک می بیند و از پشت شیشه سبز، دشت کویر و بیابان لم یزرع را سرسبز می نگرد و از پشت شیشه سرخ همه جا را به رنگ خون و زمین مسلخ مشاهده می کند حاکم شدن «هوای نفس» بر فکر و عقل انسان نیز باعث می شود که بینش و اندیشه انسان را به آن رنگی که می خواهد درآورد و حقیقت را در نظر او دگرگون جلوه دهد، فکرش را در آن راستا مشغول سازد و خودش را در آن جهت که می خواهد بکشانند. اگر خدای نکرده خواسته نفسانی اش اینست که به هر قیمت شود باید به قدرت و مقام برسد یا به هر بهاء شود باید ریاست و پست خود را حفظ نماید، آنگاه «هوای نفس» دست به کار می گردد.

و برای گرفتن مقام یا نگهداری پست، ملاکها و متحملها می تراشد و چنان آنرا در اندیشه اش راه می دهد که به غیر آن فکر نمی کند و به کمتر از آن قناعت نمی نماید و حاضر می گردد برای دستیابی به آن به هر امری مبادرت ورزد و... لذا حضرت، پیروان راستین اسلام و مسلمانان واقعی را به ریاضت نفس و مبارزه با «هوا» فرا می خواند و عامل همه بدبختی و سرچشمه تمام گرفتاریها «هواپرستی» را می شمارد.

بسدین سان، این آیات شریفه و مولای متقیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ریشه تمام نزاعها



### چرا چین بحران؟

هر حادثه تلخ یا شیرین، هر پیشامد ناگوار یا مسرت‌بخش، هر واقعه کوچک یا بزرگ، معلول عواملی است که در پدید آوردن و آفریدن یا پیشگیری و بازداشتن آن رخدادها، تأثیر مستقیم دارد.

بحرانهای پس از سقوط رژیم کمونیستی که فضای کشور ما را تاریک ساخت و امیدهای ملت را تبدیل به یأس کرد و بر ویرانی کشور، تباهی اقتصاد و درد و الم مردم رنجدیده و زجرکشیده ما افزود، نمی‌تواند تصادفی و بدون دلیل باشد، به طور قطع معلول عواملی است که به نظر می‌رسد علاوه بر دو عامل گذشته (هوای نفس و طرح نفاق‌افگنها) عامل دیگری که مؤثر است و نقش تعیین‌کننده دارد اینست که هر جریان و هر تشکیلات هنگامی به قدرت می‌رسند از مراعات عدالت اجتماعی سرپیچی می‌کنند و حاضر نیستند به حق خویش قناعت کنند یا حقوق دیگران را در نظر بگیرند و قصد و برنامه‌شان این می‌باشد که قدرت را به تنهایی در اختیار داشته باشند و با سایر گروهها را در مرکز تصمیم‌گیری کشور شریک و سهیم نسازند و مجال فعالیت و عرصه کار و تلاش آنان را محدود سازند. پیداست تا این نگرش عوض نشود و به این بینش نرسند که کشور خانه مشترک همه ماست و همه مردم و تمام گروهها در شکست «ارتش سرخ» و سقوط دولت مارکسیستی نقش داشتند و باید در اداره، مدیریت، قدرت و تصمیم‌گیری آن، همه ملیتها و گروهها بر اساس «عدالت اجتماعی» نقش و سهم داشته باشند، معضل کشور ما حل نخواهد شد و ثبات و امنیت بر سرزمین ما سایه نخواهد افگند و کینه، عداوت، جنگ و خونریزی تداوم خواهد یافت.

تمام جریانها و گروههایی که در افغانستان حضور دارند و در حل بحران موجود مؤثر می‌باشند تا متقاعد نگردند که به حق خود قناعت و اکتفا کنند و از انحصارطلبی و تنگ‌نظری دست بکشند و حقوق دیگران را رعایت

و ناتوانی می‌کشاند، پسران آنها را سر می‌برید و زنان آنها را زنده نگه می‌داشت.

فرعون برای تداوم تخت و تاج و استمرار سلطه و سیطره خویش، بنی اسرائیل را به دو دسته تقسیم کرد: قبطیان و سبطیان، قبطیها را با خود گرفت، به آنها ارزش و بهاء می‌داد، زمینه آسایش و رفاه آنان را فراهم می‌ساخت و مسؤولیت و پستها را به آنها می‌سپرد، سبطیها را محروم و مستضعف نگاه می‌داشت، از ترس اینکه مبادا برضدش قیام کنند و در جهت براندازیش بپاخیزند به اذیت و آزار و سرکوبشان می‌پرداخت، جوانان و مردان آنها را به قتل می‌رساند و زنان و دختران آنان را به کنیزی می‌گرفت.

گرچه روزی «فرعون» در میان ملت تفرقه پدید می‌آورد و به این اعمال ناروا مبادرت می‌ورزید، ولی از آن تاریخ تاکنون، هزاران و صدها هزار دیکتاتور و مستبد دیگر با شدت و ضعف، سیاست و خط مشی «فرعون» را دنبال کردند و در راستای شکستن همبستگی ملت و حتی رو در رو قرار دادن جامعه، طرحها و برنامه‌ها ریختند تا جایی که یکی از سران انگلیس با بی‌شرمی و وقاحت، اعلام می‌دارد «اختلاف بینداز و حکومت کن» و امروز به تناسب آگاهی و بیداری ملتها چون قدرتمندان و رژیمهای مستبد و انحصارطلب را خطر براندازی تهدید می‌نماید، استکبار جهانی در سطح وسیع بین کشورها و ملتها شکاف خلق می‌کنند و زمامداران مستبد و جاه طلب در سطح کشورشان نفاق می‌آفرینند تا با جلوگیری از اتحاد و یکپارچگی ملت تزلزل یا سقوط حکومت را رفع سازند.

بنابراین، در ایجاد شکاف بین ملیتها، گروهها و کشورها و پاک‌شدن آنان به مخاصمه و درگیری، چه در گذشته و چه در عصر ما، دستهایی در به وجود آوردن نفاق نقش داشته‌اند و تا آن ایادی کوتاه نگردند و یا ملت به سرحدی از درایت و تیزهوشی نرسند که متوجه دسیسه و توطئه آنان گردند و فریب آنها را نخورند، این مشکلات دام‌نگیر ملتها و کشورها می‌باشد.



و انتخابات مجلس شورا و پارلمان را که بیشترین نماینده‌ها از «جبهه نجات اسلامی» انتخاب گردیده بود باطل نمی‌کرد و حق «جبهه نجات» را نادیده نمی‌گرفت و تشکیلات آنان را غیر قانونی اعلام نمی‌داشت، این درگیری و کشتار که تاکنون به نابودی چهل هزار انسان منجر گردیده پیش نمی‌آمد. اگر صربهای انحصارطلب، به سرزمین اسلامی «بوسنی هرزگوین» چشم طمع نمی‌دوخت و به خاک آنان تجاوز نمی‌کرد، این تراژدی انسانی و جنایت تاریخی پدید نمی‌آمد و چنین آبروی سازمان ملل و کشورهای حامی صربها نمی‌رفت و جهانیان شاهد یک بام و دو هوا نمی‌شدند که همین سازمان در اشغال فلان جا، آن همه نیرو گسیل داشت و آنقدر هیاهو راه انداخت و در این نقطه که میزان جنایت صربها بسیار بیشتر از آن جاست، نیروی سازمان ملل، نظاره‌گر اعمال ننگین صربها هستند و دست از پا خطا نمی‌کنند و...  
همه این پیشامدها بخاطر عدم رعایت عدالت و نادیده گرفتن حقوق دیگران است. بدین دلیل است که این آیه شریفه دستور می‌فرماید که عدالت را در حق همه حتی نسبت به دشمنانتان رعایت کنید، چه اینکه اگر از اجرای عدالت سرپیچی کنید و طرح غیر عادلانه بریزید، پیامد آن دامنگیر شما خواهد شد و اگر آتشی شعله‌ور شد دودش به چشم خودتان می‌رود.  
با توجه به برخورداری «عدالت» از چنین نقش تعیین کننده و سرنوشت‌ساز اجتماعی، مولای متقیان علی علیه السلام، مالک اشتر را به اجرای آن ملزم می‌فرماید:  
العدل واجمعها لرضی الرعیه.<sup>۱۸</sup>  
باید محبوبترین کارها نزد تو اموری باشند که با حق و عدالت موافق‌تر و با رضایت مردم هماهنگ‌تر است،  
و ان افضل قرة عين الولاية استقامة العدل فی البلاد و ظهور مودة الرعیه.<sup>۱۹</sup>  
برترین چیزی که موجب روشنایی چشم زمامداران

نمایند، یا آنان که در پی ایجاد صلح، وحدت ملی و تفاهم هستند این مسأله را به آنان نباوراند، هر تلاش، رفت و آمد و هیاهو راه انداختن بی نتیجه و بی فایده خواهد بود.  
اسلام که روی مسأله رعایت عدالت اجتماعی تأکید دارد، بخاطر آنست که عدالت از ایجاد آشوب و غائله باز می‌دارد و از پدید آمدن تنش، نارضایتی و تشنج جلوگیری می‌نماید. قرآن کریم در باب رعایت عدالت می‌فرماید:  
ان الله یأمر بالعدل والاحسان و ایتاء ذی القربی.<sup>۱۶</sup>  
خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می‌دهد.  
ولا یجرمنکم شنثان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتعوی.<sup>۱۷</sup>  
دشمنی با گروهی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.  
وقتی حوادث تلخ اجتماعی را مورد کنکاش و تحقیق قرار دهید و علل بروز آنها را ریشه‌یابی کنید، چه جنگهای صدر اسلام، چه جنگهای جهانی و چه درگیری و آشوبهایی که اکنون در گوشه و کنار جهان جریان دارد، دلیل همه آنها این بوده و هست که یک طرف دعوا، بر اثر بلندپروازی و انحصارطلبی نمی‌خواسته به حق خود قانع باشد یا حق دیگران را مراعات نماید، اگر ابوسفیان و ابولهب و... برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دسرس و مزاحمت نمی‌آفریدند و ساحه فعالیت را بر آن حضرت تنگ نمی‌کردند جنگ بدر، احد و احزاب به وقوع نمی‌پیوست، چنانچه معاویه بر ضد حکومت عدل علی علیه السلام غائله نمی‌آفرید و شام را مرکز فعالیت علیه حکومت اسلامی قرار نمی‌داد و در صدد افزایش قدرت نمی‌افتاد، جنگ صفین و... رخ نمی‌داد.  
در حال حاضر، اگر دولت الجزایر که در گذشته استقلال خود را به بهاء خون بیش از یک میلیون شهید به دست آورده است، امروز به رأی ملت احترام و بهاء قابل می‌شد و با عقیده اسلام خواهی آنان به مخالفت بر نمی‌خواست



اجتماعی در کشور باشند و از تن دادن به راه حلهای جامع و فراگیر سرپیچی نکنند تا انشاءالله صلح و صفا را به ارمغان آورد.

### پیامد اختلاف

هر کار مثبت یا منفی، زشت یا زیبا، پسندیده یا ناپسند، دارای رهاورد یا پیامد، پاداش یا کیفر، تشویق یا نکوهش، تعریف یا ملامت است، و پیامد و دستاورد هر کار به تناسب نقش و تأثیر یا ضربه و زیان آن عمل می باشد. ایجاد تفرقه، نفاق، پراکندگی و اختلاف که بدون تبعات نیست، پیامد آن بستگی به اثرات منفی و تخریبی آن دارد، هر مقدار دامنه صدمه و لطمه آن به مکتب، به کشور، به جامعه و به وحدت ملی گسترده و بیشتر باشد، به همان میزان از پیامد ویرانگر و تبعات زیان بار برخوردار می باشد. برنامه اسلام که با فرامین باید و نباید، وجوبی و تحریمی به عنوان تکلیف شرعی و فريضه متوجه مسلمانان شده تا انجام دهند یا اجتناب کنند، مسایلی است که توجیه پذیر نیست و سرپیچی از آنها کوتاهی در تکلیف دینی و تخلف از دستور شریعت است. اما در کنار اینها، یک سری توصیه های مؤکد داریم که عنوان ارشادی دارند. چنانچه به آنها عمل گردد، ثمراتی نصیب عمل کننده می شود و اگر سر باز زند ضربه اش را خودش می خورد و آسیبش را خود خواهد دید. و سفارشهای راجع به وحدت، از این مقوله است که به کارگیری آنها دست آوردها به همراه دارد و تخلف آنها پیامدهای دردناک در پی دارد.

ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ربکم. ۲۱

و نزاع مکنید تا سست نشوید و قدرت شما از بین نرود. نزاع نکنید و درگیری پدید نیاورید که «پیامد اختلاف»، بازده نزاع و نتیجه چنگ و خونریزی بی مورد، به تحلیل رفتن نیرو، قدرت و امکاناتتان می باشد، و آنگاه ابهت، اقتدار، عظمت و شکوهتان را از دست می دهید و از دیدها

می شود، برقراری عدالت در همه بلاد و آشکار شدن علاقه رعیت نسبت به آنهاست.

وقتی «عدالت» پیاده نگردد و قدرت، کارایی، توان، نفوس و صلاحیت در نظر گرفته نشود و معیار، ملاک و ضابطه، دوستی، همپیمانی و جناح بودن باشد و به خواست ملت و آراء مردم ارج قابل نباشد و تصمیمها بر محور منافع یک جریان یا یک ملیت یا عده مخصوص اتخاذ گردد، طبیعی است که هر مقررات و تصمیماتی گرفته شود، تنها مورد قبول همان عده معدود خواهد بود و دیگران زیر بار آن نخواهند رفت. پس نقص کار و گیر مشکل در اینست که همه می خواهند آرمان گروهی خود را تطبیق کنند و حرف خود را به کرسی بنشانند و این امر، هم با اصل «عدالت» منافات دارد و هم قابل پذیرش تمام ملیتها و جریانهای نیست و تا همه ملیتها و تمام احزاب در مسأله ای به توافق نرسند، بحران افغانستان حل شدنی نیست.

با عنایت به این امر که گره گشای مشکل افغانستان تأمین عدالت اجتماعی است، رهبر شهید استاد مزاری علیه الرحمه فرموده اند: «تا وقتی که حقوق عادلانه و متناسب احزاب جهادی در نظر گرفته نشده و حقوق ملیتهای مسلمان کشور تأمین نگردد، مشکل افغانستان و اختلافات سیاسی حل نمی گردد. اینکه یک حزب یا یک ملیت سر دیگران حکومت کرده و بر آنها زور بگوید دوران گذشته است. و باید همه احزاب این حقیقت را درک کنند که تنها با تفاهم و احترام بحقوق یکدیگر می توان بحران کنونی را مهار نموده و یک حکومت مردمی و اسلامی بوجود آورد. انحصارطلبی و زورگویی جز ادامه جنگ و ویرانی و بدنامی برای مجاهدین ثمر دیگری ندارد.» ۲۰

امید است رهبران گروهها و ملت متدین و متعهد ما که علاقمند به حل بحران افغانستان هستند، از تنگ نظری و انحصارطلبی پرهیز کنند و همه در پی استقرار عدالت



ورفته، رفته یکپارچگی، اتحاد، خلوص، همکاری و همدلیشان تبدیل به پراکندگی، تشتت، کینه و درگیری گردید، تا به تدریج عزت، عظمت و کرامت و نعمت را از دست دادند و دوباره خوار و حقیر شدند.

ملاحظه می فرمایید که قرآن کریم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام «پیامد اختلاف» را زایل کننده عزت و عظمت ملتها و مواجه ساختن با ذلت و حقارتها می داند و امت اسلام را به پرهیز از «اختلاف» و خودداری از «نفاق» و اجتناب از «تفرقه» دعوت می نماید.

### نقش وحدت

همانگونه که قطرات ریز باران وقتی بهم پیوست و تبدیل به سد عظیم گردید می تواند منبع خیر و برکت بسیار گردد، بیابان لم بزرع را با آبیاری تبدیل به مزرعه سرسبز و گلستان خوش منظر نماید، توربینهای مولد برق را به کار اندازد و محیطهای تاریک را روشنایی و پرتوافشانی کند، چرخ کارخانه های صنعتی، تولیدی و بافندگی را به چرخش درآورد، انسان نیز وقتی بهم پیوست، دست بدست هم داد، یکپارچه و متحد شد می تواند کارهای خارق العاده، شگفت انگیز و اعجاز آمیز انجام دهد. اگر در میدان جنگ، جهاد و مبارزه باشد «بنیان مرصوص» گردد و نصرت و پیروزی را به ارمغان آورد، اگر در عرصه سازندگی کشور باشد، مملکت را آباد سازد، اگر در صحنه قیام عمومی و خیزش مردمی بر علیه دولتی باشد، رژیم حاکم و نظام بر سرکار را براندازند و... بنابراین «نقش وحدت» در تمام زمینه ها روشن و هویداست و نیاز به تبیین، تفسیر و بیان مصداق ندارد.

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در زمینه تأثیر همبستگی ملت و نقش انسجام جامعه، می فرماید:

المؤمن للمؤمن كالبنيان يشيد بعضه بعضاً.<sup>۲۳</sup>

مؤمن نسبت به مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از آن جزء دیگر را محکم نگاه

و نظرها می افتد و وقتی دشمن، شما را ضعیف و ناتوان یافت، در پی ضربه زدن، آسیب رساندن و نابود کردن شما می گردند، و در نتیجه اسباب زوال قدرت و از دست دادن عظمت را خود فراهم و مهیا ساخته اید و خود را به دست خود از بین برده اید.

مولای متقیان علی علیه السلام در زمینه «پیامد اختلاف» می فرماید:

فانظروا الی ما صاروا الیه فی اخر امورهم، حین وقعت الفرقة، و تشتت الالفه و اختلفت الكلمة والافئدة، و تشعبوا مختلفین، و تفرقوا متحاربین، قد خلع الله عنهم لباس کرامته و سلبهم غصارة نعمته.<sup>۲۲</sup>

به پایان کار آنان نگاه کنید: آن هنگام که پراکندگی در میان آنها واقع شد، الفتشان به تشتت گرایید، اهداف و دلها اختلاف پیدا کرد، به گروههای متعدد تقسیم شدند، و در عین پراکندگی باهم به نبرد پرداختند، که خدا لباس کرامت و عزت از تنشان بیرون کرد، و وسعت نعمت را از آنان سلب نمود.

شما سرگذشت قوم «بنی اسرائیل» را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهید، وضعیت آنها را مطالعه و دقت کنید و از سرنوشت آنان درس و از سرگذشتشان عبرت بگیرید، ببینید پشت و پهلوی آنها از ضرب شلاق «فرعون» و تازیانه ستمگر، کبود و سیاه بودند و به دلیل حاکمیت ستم، استبداد و خفقان، آنان اختیار مال، جان و ناموسشان را نداشتند، مردان و جوانان آنان را به قتل می رساندند و پسانوان و دوشیزگان را به حرمسراها و مراکز عیش و عشرت می فرستادند و... بر اثر رهبری خردمندانه و مبارزه پیگیر حضرت موسی علیه السلام، بنی اسرائیل از آن وضعیت رقت بار نجات یافتند و به قدرت، اقتدار و عزت رسیدند و خود بر سرنوشت خویش حاکم گشتند، ولی با کمال تأسف، موهبت آزادی را قدر ندانستند و آسایش، رفاه و نعمت را هضم نتوانستند و رقابتها به وجود آمد، حسادتها گل کرد و عقده ها شکوفه نمود



قابل باور دست یافتند، چگونه بر دشمن توانا و قدرتمند پیروز شدند، چگونه دست زورگویان و ستمگران را از سرنوشت خویش کوتاه و قطع نمودند و چگونه به حاکمیت کل جهان و زعامت همه بشریت رسیدند؟ و این موفقیتها، پیروزیها و رسیدن به آرمانها در سایه «اتحاد» بود که اختصاص به آنان ندارد، هر ملت، هر جامعه و هر کشوری که آنگونه منسجم و متحد گردند و از جان و دل دنبال تحقق مقاصد و اهدافشان باشند، بدون شک و تردید به آن آرزوها دست می‌یابند.

از این دو فراز آموزنده از فرمایشات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مولی الموحدين علی علیه السلام به خوبی «نقش وحدت» به دست می‌آید و می‌رساند که در پرتو وحدت و یکپارچگی، به هر هدف بزرگ و آرمان متعالی می‌توان رسید.

### تفرقه، زمینه‌ساز حاکمیت دشمن

هر انسان هوشیار، عاقل و با درک به هر عمل اقدام می‌نماید و به هر کار نیکو یا زشت دست می‌زند، غرض و هدفی در آن در نظر دارد و هیچگاه نسنجیده، بی حساب و بیهوده به کاری مبادرت نمی‌ورزد، بخصوص اموری که پیامدها و تبعات تلخ در پی دارد یا دردسر، رنج و مشکلات طاقت فرسا دارد یا هزینه و مصرفش سنگین است، با وجود این اصل عقلانی، می‌نگریم عده از عقلا، زرنگها، باسوادها و فهمیده‌ها در جهت بهم زدن همبستگی ملت تلاشها و تکاوها می‌کنند، زحمت و مشقت زیاد می‌کشند، پولهای بسیار مصرف و خرج می‌نمایند، لذا مناسب است مساله را مورد ارزیابی قرار دهیم که مقصد و آرمان نفاق‌افگنان از این کار چیست و اختلاف جامعه، جنگ احزاب و درگیری دولتها چه ثمرات و دستاوردهایی برای آنان دارد؟ و با ایجاد نفاق و تفرقه و پراکندگی چه عایدشان می‌شود؟

تاریخ که زبان گویای گذشتگان است و موضوع را خوب

می‌دارد. آنچنانکه استحکام سد عظیم، ساختمان رفیع و دیوار بلند به این است که هر جزء آن، جزء دیگر را محکم کنند و سیم و سیمان، آهن و آجر در هم ذوب و پیوند گردند، جامعه نیز وقتی می‌تواند قوی، نیرومند و شکست‌ناپذیر باشد که فکر، تدبیر و تلاش عمومی در راستای اعتلای وضعیت همه مردم متمرکز گردد و افراد جامعه، منافع ملی را بر اغراض شخصی مقدم دارند و بعضی در بعضی دیگر ذوب گردند و ملت یکپارچه، متحد و هماهنگ شوند. پیامبر اکرم (ص) از صفات بارز و اخلاق برجسته مؤمن این را برمی‌شمارد که انانیت و منیت را کنار می‌گذارند و یکی در استحکام بخشیدن به دیگری می‌کوشند و در جهت انسجام و اتحاد ملت همت می‌گمارند.

مولای متقیان علی علیه السلام «نقش وحدت» را در نایل شدن به آرمان، رسیدن به هدف و غلبه بر دشمن چنین بیان می‌فرماید:

فانظروا کیف كانوا حيث كانت الاملاء مجتمعة والاهواء مؤتلفة، والقلوب معتدلة، والاییدی مترادفة، والسیوف متناصرة، والبصایر نافذة، والعزائم واحدة، الم یكونوا ارباباً فی اقطار الارضین و ملوکاً علی رقاب العالمین.<sup>۲۴</sup>

بنگرید آنها چگونه بودند هنگامی که جمعیتشان متحد، خواسته‌ها متفق، قلب و اندیشه‌ها معتدل، دستها پشتیبان هم، شمشیرها یاری کننده یکدیگر، دیده‌ها نافذ و عزم و آرمانهای همه یکی بود، آیا آنها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند؟ و آیا زمامدار و رئیس همه جهانیان نشدند؟! <sup>۱</sup>

به سرنوشت دردناک و روزگار سیاه و زندگی تلخ «بنی اسرائیل» تأمل کنید و نظر افکنید، بنگرید هنگامی که آنان در پرتو رهبری حضرت موسی علیه السلام، هماهنگ و همفکر بودند و همه یک شعار و یک خواسته داشتند، همه دشمن را مورد حمله قرار می‌دادند و همه به یاری و کمک یکدیگر می‌شتافتند، چگونه به موفقیت‌های غیر



وقتی در یک طرف سکه این مارک را زدند، به سراغ جانب مقابل که عربها بودند، رفتند و به تحریک، تشویق و ترغیب آنان بر ضد ترکها دست زدند.

شخصی را بنام «نجیب عازوری» که از مهره‌های انگلیس و فرانسه بود، واداشتند تا در سال ۱۹۰۴ در پاریس کتابی تحت عنوان «بیداری ملت عرب» بنویسد و انجمنی تحت نام «اتحادیه وطن عربی» تشکیل دهد و مجله ماهنامه بنام «استقلال عرب» با همکاری یکی از کارمندان وزارت خارجه فرانسه بنام «اوژن یونک» زیر پوشش ارگان نشراتی اتحادیه راه اندازد، و بیشتر مطالبش در پیرامون اختلاف نژادی، فرهنگی و سیاسی میان اعراب و ترکها و... باشد، بعد خود «اوژن یونک» کتابی بنام «قیام عرب» نوشت و در آن سعی کرد عرب را برتر از ترک جلوه دهد و...

در اثر ایجاد این بلوا، غائله و میان‌اندازی بین امت اسلام، دولت بهناور عثمانی سقوط کرد و در سال ۱۹۰۸ میلادی «سلطان عبدالحمید» عزل گردید و سرزمین وسیع اسلامی را به صورت لقمه لقمه درآوردند تا هر روزی یک لقمه را ببلعند و به آسانی قورت دهند. لذا وقتی بیگانگان یک کشور نیرومند اسلامی را تبدیل به بیش از ده مملکت تقسیم ساختند، مدت‌ها، بیشتر آن کشورها را اشغال نظامی نمودند و بر آنها سلطه فیزیکی داشتند و در حد توان ثروت و ذخایر آنها را به غارت بردند، و امروز که اکثر آن دولتها علی الظاهر استقلال دارند، اما از نظر فکری، فرهنگی و خط مشی سیاسی تحت سلطه استکبار جهانی قرار دارند.

این جریانها و نظیر این، که در جای‌جای دیگر دنیا صورت گرفته است نشان می‌دهد که نقشه نفاق و برنامه تشتت از ناحیه بیگانگان بوده و «تفرقه» زمینه‌ساز حکومت دشمن و سیطره کشورهای استعماری بر سرزمینهای اسلامی است.

با کمال تأسف همان برنامه اکنون در کشور ما تطبیق

به تصویر کشیده، پیامد تفرقه را زیبا ترسیم نموده و نشان می‌دهد که حکومت‌های استعماری و شبکه‌های جاسوسی از این طریق به هدفهای شوم حاکمیت دست یافتند، که با بیان نمونه تاریخی، مطلب روشن می‌شود.

از هنگامی که استعمارگران به فکر استعمار و سلطه فیزیکی و فکری بر کشورهای اسلامی افتادند، چاره‌ای که اندیشیدند و طرح اجرایی که ریختند این بود که باید بین مسلمانها اختلاف اندازند و جامعه متحد اسلامی و دولت بهناور عثمانی را تکه تکه، پارچه پارچه و لقمه لقمه نمایند، از این رو تصمیم گرفتند «ملی‌گرایی» افراطی و نژادپرستی را مطرح کنند و افرادی را بگمارند که به این مسأله دامن زنند که متأسفانه به تدریج توانستند عده‌ای را به این کار وادارند عرب را بر ضد ترک، ترک را بر علیه عرب تحریک نمایند، مثلاً:

شخصی که بسیار تلاش نمود تا احساسات ملی‌گرایی ترک را شعله‌ور سازد «اترملی لویده» (۱۸۱۱-۱۸۳۲) یهودی انگلیسی بود، وی با مسافرت به ترکیه کتابی بنام «بررسیهای مقدماتی» نوشت و در آن خواست ثابت کند که ترکها نژاد ممتاز است و نسبت به اعراب برتری و ترجیح دارد.

پس از مدتی بعضی از ترکها که تحت تأثیر آن کتاب واقع شدند و فریب آنرا خوردند، کتابش را به زبان ترکی برگرداندند و ترجمه آنرا در سطح وسیع پخش نمودند. و بعض دیگر با اقتباس از آن کتاب، همان مطالب را با فی‌الجمله اضافات و پیازداغ بنام خود نشر کردند. بعد از چند وقت، در سال ۱۸۹۹، فرد دیگری بنام «دیوید لئون کوهن» نویسنده یهودی فرانسوی کتابی منتشر کرد و در آن از برتری و برجستگی نژاد ترک نوشت، این یهودی در ایجاد و گسترش ملی‌گرایی ترکها سهم بسزا و نقش بسیار داشت و الهام بخش «پان ترکیسم» و «نهضت ترکان جوان» بود و بدین ترتیب بیگانگان، مسلمانان ترک را بر ضد دولت عثمانی تحریک نمودند.



### تفرقه، بدترین عذاب

انسان بطور طبیعی می خواهد زندگی آرام، امن، مرفه، فارغ از جنجال، بدون تشویش و نگرانی و دور از هرگونه خطر، درگیری و جنگ داشته باشد، تا زمینه کار، تلاش، فعالیت، خدمت، سازندگی و تحصیل فراهم باشد و استعدادها رشد کند و کشور و ملت در تمام ابعاد پیشرفت نماید، و به طور حتم چنین زندگی موهبت قابل قدر و ناامنی، درگیری و خونریزی بدترین عذاب است. قرآن کریم، با امضاء این مطلب، اختلاف و جنگ را یکی از عذابها بر می شمرد:

قل هو القادر علی ان یبعث علیکم عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً و یدیق بعضکم باس بعض. ۲۷

بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیر پای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته های پراکنده شما را باهم بیامیزد، و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند.

هیچ عذاب زمینی و آسمانی، زلزله و صاعقه به اندازه جنگ و خونریزی، تلخ، دردناک و دارای پیامدهای منفی نیست، زیرا عذابها گرچه تلفات جانی، ویرانی، خرابی و ضربه اقتصادی در پی دارد ولی چون دفعی یا کوتاه مدت است، روی روان، روحیه و اخلاق جامعه چندان تأثیر نمی گذارد، اما جنگ و خونریزی علاوه بر نابودی، کشتار و صدمه های مادی:

اولاً: اعتماد از میان می رود و کسی در هیچ مورد به دیگری اطمینان نمی تواند و بر جامعه سوء ظن و بدگمانی حاکم می گردد و مهر و محبت تبدیل به کینه و نفرت می شود.

ثانیاً: در بعد روانی، رفتار، خصلت و اخلاق جامعه تأثیر منفی می گذارد و روحیه خشونت، پرخاشگری، عدم تحمل یکدیگر و قساوت در ملت به وجود می آورد و در

می گردد و دستهای آشکار و نهان بجهت بدنام ساختن اسلام و لطمه زدن به دستاورد چهارده سال جهاد ملت و به فراموشی سپردن شکست ارتش سرخ در افغانستان، با استفاده از غریزه جاه طلبی و انحصارگرایی عده ای، به مسایل نژادپرستی دامن می زنند تا جایی که بعضی تنگ نظران در پاسخ سؤال خبرنگار، با بی شرمی بر زبان می آورند که «ما به خون هزاره تشنه ایم، و یا اینکه: هیچگاه اجازه نمی دهیم که وضعیت اجتماعی فلان ملیت بهتر از گذشته شود و...»

اگر این دیدگاهها عوض نشود و به واقعیتها تن ندهند و به آینده ملت و کشور فکر نکنند و از جاه طلبی دست نکشند، روزگار سیاه تر از این، در انتظار ملت ما خواهد بود. البته ما نمی گوئیم کسی قوم و ملیت خود را دوست نداشته باشند که می گوئیم نژادپرستی محکوم است و گرنه قوم دوستی عین دستور اسلامی می باشد، زیرا مولای متقیان علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام سفارش می فرماید:

و اکرم عشیرتک فانهم جناحک الذی به تطیر، و اصلک الذی الیه تصیر و یدک التی بها تصول. ۲۸

قبیله و عشیرهات را گرمی دار، زیرا آنها پر و بال تو اند که بوسیله آنها پرواز می کنی و اصل و ریشه تو اند که به آنها باز می گردی و دست و نیروی تو اند که با آن به دشمن حمله می کنی.

بدین ترتیب، یکی از حربه هایی که دشمنان، در جهت رسیدن به هدف به کار می برند ایجاد نفاق در جامعه است، و در شرایط کنونی استراتژی پدید آوردن اختلاف و تشدید تشتت را دامن زدن به مسایل نژادپرستی و تعصب افراطی تشخیص داده اند و این راه را در پیش گرفته اند که امید است با سرعت آمدن سران بسیاری از گروهها و به دام نیفتادن علما و روشنفکران و بیداری ملت، این توطئه خنثی شود و مردم ما از این وضعیت ناگوار نجات یابند و اخوت و برابری در بینشان حاکم شود.



نتیجه اسلحه جای منطق را می‌گیرد و در عوض استدلال و اقامه برهان، دست به ماشه تفنگ می‌برد. و پدید آمدن چنین وضعیتی که بازار اسلحه و زور پر رونق‌تر از فکر و فرهنگ و علم و عقل باشد و گلوله جایگزین کلام شود، بدترین عذاب و تلخ‌ترین زندگی است.

### وحدت بالاترین نعمت

انسان چنانکه از نظر آفرینش مخلوق خالق است، در استمرار حیات و تداوم زندگی نیز نیاز به افاضات فیاض مطلق و احتیاج به نعمتهای بی حد و حصر پروردگار دارد. موهبت‌های الهی که بیرون از شمار است، نعمت عقل، استعداد و خلاقیت، نعمت سلامتی، نعمت مواد ارتزاقی (خوراکیها و آشامیدنیها) نعمت ابزار زندگی (زمین و مسکن) نعمت آزادی، نعمت امنیت سیاسی و اجتماعی و نعمت وحدت و اخوت و... را شامل می‌شود.

در میان این نعمتها، آنکه زندگی را شیرین، کانونها را گرم، مراکز تجمع را صمیمی و فاصله‌ها را بر می‌دارد و دلها را نزدیک می‌نماید، نعمت «اتحاد» است. نعمت هماهنگی از این جهت که زمینه‌ساز و فراهم‌آورنده بسیاری از نعمتها می‌باشد، در جایگاه بالاتر از دیگر نعمتها قرار دارد و تا «اتحاد» نباشد جامعه نمی‌تواند آزادی را به دست آورد، تا هماهنگی نباشد جامعه نمی‌تواند امنیت را پدید آورد، تا همبستگی نباشد جامعه نمی‌تواند از آرامش و آسایش برخوردار باشد و... قرآن کریم، جزء موهبت‌های مهم که باید همیشه به یاد آن بود، نعمت وحدت را ذکر می‌کند:

واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها.<sup>۲۸</sup>

و نعمت خدا را بر خود بیاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید، و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آنجا برگرفت.

همانگونه که تا ماهی در دریا می‌باشد قدر آب را نمی‌داند و تا پرنده در قفس نیفتاده قدر پرواز در فضای آزاد را نمی‌داند، و انسان تا از تندرستی برخوردار است و به بیماری دچار نشده قدر سلامتی را نمی‌داند، جامعه نیز تا طعم تلخ اختلاف را نچشیده و به خصومت، دوئیت و جدایی گرفتار نشده و به درگیری و جنگ مبتلا نگردیده و با انسان مجروح، بدنهای آغشته به خون و پیکرهای تکه تکه مواجه نشده، قدر «نعمت وحدت» را نمی‌داند. جامعه قدر دان این نعمت یا ملت تشنه آن باید از مبادرت به کارهای که باعث تشدید تشتت و ایجاد شکاف و پراکندگی می‌شود خودداری نماید و با عوامل نفاق و تفرقه مبارزه کند تا زمینه پدید آمدن وحدت فراهم گردد.

بدین دلیل قرآن کریم، ضمن برشمردن «نعمت وحدت» متذکر می‌شود شما از زندگی تلخ گذشته و زندگانی توأم با خشم و خشونت سابق‌تان عبرت بگیرید و قدر نعمت الفت و اخوت، مهر و محبت را بدانید و برای آن ارزش و بهاء قایل باشید، و از آن با تمام توان پاس دارید.

### کشمکش خصلت دوزخیان

خداوند تبارک و تعالی که انسان را خلق نمود و او را عقل و فکر عنایت فرمود و پیامبران را جهت هدایت و راهنمایی بشر مبعوث داشت، جهت سعادت و خوشبختیشان یک سری احکام را وضع نمود و یک سلسله تکالیف را به عهده بندگان گذاشت. تا آنکه را به او امرش عمل نماید پاداشش به بهشت راه دهد و آنکه دستورش را تخلف کند و در انجام وظیفه و فریضه کوتاهی نماید کیفر و عقاب کند و به دوزخ اندازد.

اهل جهنم به خاطر سنجیت یا به دلیل عامل نبودن به دستورات شریعت یا بی‌خبر بودن از مقررات ادیان الهی، خصلتهای نادرست شبیه هم دارند، که یکی از آن خصلتها اینست که درون جهنم و در حال چشیدن عذاب دردناک،



رودرروی هم قرار می‌گیرند، تقصیرها، لغزشها، انحرافها و اشتباهها را به دوش همدیگر می‌اندازند و یکدیگر را متهم می‌کنند که او باعث جهنمی شدن او گردیده و... لذا قرآن کریم در مقام بیان خصلتهای رذیله اهل جهنم، بارزترین خصلت رذیله اخلاقیشان «کشمکش و اختلاف» را برمی‌شمرد:

کلما دخلت امة لعنت اختها.<sup>۲۹</sup>  
هر زمان گروهی وارد (جهنم) می‌شوند گروه دیگر را لعن می‌کنند.

هر فرد و هر دسته که وارد دوزخ می‌گردند دیگری را مسؤول بدبختی خویش می‌داند و او را مورد ملامت، ناسزا، لعن و نفرین قرار می‌دهند: این تو بودی که مرا به فلان عمل واداشتی، این تو بودی که از فلان کار خیر بازداشتی، این تو بودی که پای مرا به فلان جاکشاندی، این تو بود که مرا از مشرف شدن به مکه، زیارت و مسجد منع کردی، این تو بودی که از رفتن به میدان رزم و جهاد ترساندی، این تو بودی که مرا به ندادن وجوهات شرعیه، کم فروشی، غش در معامله، احتکار، دروغ، غیبت، تهمت، سرقت، عمل شنیع، ستمگری و قتل نفس و... تشویق نمودی، نمی‌گویند اگر او تحریک کرد این من بودم که نسنجیده به آن کار مبادرت نمودم، اگر او ترغیب نمود این خودم بودم بدون تأمل و دقت دست به آن کار زدم و...

قرآن کریم، با برشمردن این خصلت مذموم و صفت زشت آنان، بالااصاله نفس عمل را که به کشمکش، دوئیت و خصومت می‌پردازند، نکوهش می‌نماید و آن وضعیت را به عنوان حالت نامتعادل و ناسالم به باد انتقاد می‌گیرد و بالتبع می‌فهماند اگر بر خانواده، محیط و جامعه‌ای چنین وضعیت حاکم باشد، جهنم دنیا می‌باشد. اگر می‌خواهید حیاتتان شیرین باشد و زندگیتان جهنم‌گونه نباشد و در جامعه‌تان صفا و صمیمیت حاکم گردد، با میکروب «نفاق» مبارزه کنید، عناصر نفاق آفرین را تضعیف و جامعه را از ابتلاء به نفاق و اکسن نمایید.

### هماهنگی صفت اهل بهشت

در بهشت، موعود نیکوکاران، جایگاه همیشگی انبیا، اولیا، شهدا، متقین و صالحین که نمود نعمت و جلوه موهبت ظاهری پروردگار در قالب «انهار من لبن»، «انهار من خمر»، «انهار من عسل مصفی»، «کل ثمرات»، «لحم طیر» و «حور عین» متبلور می‌گردد و پاکان و نیکان از پاداش کار شایسته و عمل به مسؤولیت خویش بهره‌مند می‌گردند. اهل بهشت که بازتاب و انعکاس تهذیب نفس، خودسازی و اخلاق پسندیده دنیایشان در آنجا ظاهر می‌گردد بارزترین صفتشان اینست که «همفکر» و «هماهنگ» هستند و نسبت به همدیگر هیچگونه ذهنیت ندارند و با صفا و صمیمیت زندگی می‌کنند:

و نزعنا ما فی صدورهم من غل اخواناً.<sup>۳۰</sup>  
هرگونه غل (کینه و عداوت) از سینه آنها برمی‌کنیم در حالی که همه برادرند.

اگر علاقه دارید در فضای زندگی و جامعه‌تان پرتوی از صفای بهشتیان بتابد و فروغ از پاکی آنان، اجتماعتان را روشن سازد، دل را از کینه‌توزی و حسدورزی تهی سازید و اندیشه را از جاه‌طلبی و برتری‌جویی فارغ کنید تا همفکری و هماهنگی در بینتان سایه افکنده، چنانکه پروردگار متعال با برچیدن کینه و عداوت از دل اهل بهشت، ریشه‌های کدورت، خصومت، دشمنی و نزاع را می‌خشکاند و با جایگزین ساختن مهر و محبت، صفا و صمیمیت، زمینه اخوت و برادری را فراهم می‌سازد تا آنان علاوه بر آسایش و در اختیار داشتن انواع نعمتها، از آرامش خاطر نیز برخوردار باشند.

### اهمیت حفظ وحدت

در فلسفه می‌گویند: علت موجدۀ، علت مبقیۀ است و عامل پدیدآورنده پدیده‌ای می‌تواند عامل استمرار و بقای آن باشد، بسیاری از قضایای بزرگ تاریخی و بیشتر



و جهت‌گیریم در برابر آنان غیر از آن بود. این عملکرد امام (ع) بیانگر این نکات است که:

اولاً: نباید «اتحاد» جامعه را به هیچ قیمتی بهم زد و با بهانه‌ها و جهت‌گیریهای نادرست، اختلاف و تشتت پدید آورد.

ثانیاً: چنانچه در جامعه‌ای همبستگی و هماهنگی حاکم باشد «اهمیت حفظ وحدت» را باید در نظر داشت و نقش آن را به دیگران گوشزد نمود تا از هیچکس در جهت شکستن وحدت عملی سرزنند.

آیا کشور ما در وضعیت، شبیه وضعیت زمان علی علیه السلام نیست؟ زیرا از طرفی، دشمنها در کمین نشسته‌اند و مشغول انواع توطئه‌ها می‌باشند، تا اجازه ندهند، حکومت اسلامی واقعی در افغانستان به وجود آید و بر تعداد کشورهای که در صدد تطبیق مقررات و قوانین اسلام در تمام ابعاد هستند مانند جمهوری اسلامی ایران و سودان افزوده شود. و از طرف دیگر ملت، چه آنانی که بار سنگین جهاد بر دوششان بوده و فشار فراوان و مشقت زیاد کشیده‌اند و چه آنانی که خانه و کاشانه، کسب و کار، زندگی و هستی‌شان را در داخل کشور از دست داده و سالها مشکلات مهاجرت، آوارگی و محرومیت را دیده‌اند و پیروزی انقلاب اسلامی را دقیقه‌شماری می‌کرده‌اند، از تداوم نابسامانی رنج می‌برند و احیاناً کسانی که نمی‌توانند درک کنند این بحران‌آفرینی از ناحیه خود ماست نه اسلام، بر زبان بیاورند که: آیا رهاورد خون شهدا و رنج چهارده سال جهاد، ایثار و فداکاری اینست؟! <sup>۳۱</sup>

پس اکنون که ما در شرایط مشابه وضعیت آن حضرت قرار داریم، به پیروی و تاسی از مولای متقیان علی علیه السلام، باید:

الف: خدا، وجدان و شریعت را در نظر بگیریم و بخاطر اسلام و خون شهداء تلاش نماییم حکومت اسلامی را در عمل پیاده سازیم و به شعار بسنده نکنیم.

ب: بخاطر جلوگیری از بدجلوه کردن اسلام و بدنام

حوادث سرنوشت‌ساز اجتماعی و اکثر حوادث مهم سیاسی مانند پدید آمدن انقلاب، تغییر نظام، براندازی حکومتی و پیروزی در جنگ و... در پرتو «وحدت» انسجام ملی و هماهنگی جامعه صورت گرفته است. که تداوم و استمرار آن نیاز به همبستگی عمومی و تلاش مردمی دارد.

شواهد تاریخی فراوان وجود دارد که پیشوایان دین و سایر رهبران دلسوز به ملت در تمام عصرها، هنگام امر دایر شدن بین آسیب دیدن موقعیت اجتماعی و سیاسی شخصی و لطمه خوردن به وحدت ملی، از حق و حقوق خویش چشم پوشیده و اجازه نداده به یکپارچگی ملی ضربه وارد شود.

عبدالله بن جناده می‌گوید، در اوایل خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، پس از انجام حج عمره تصمیم گرفتم از مکه به عراق بروم، وقتی به مدینه رسیدم به «مسجد النبی» رفتم، مردم برای اقامه نماز جماعت آمده بودند که علی علیه السلام وارد شد، خطبه‌ای ایراد فرمود، در لابلای مطالب این موضوع را تذکر داد که پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انتظار نمی‌رفت مردم با ما چنین رفتار کنند و... بعد فرمود:

وایم الله لولا مخافة الفرقه بین المسلمین وان يعود الکفر و یبورالدین لکنا علی غیر ما کنا لهم علیه. <sup>۳۱</sup> <sup>۳۲</sup> <sup>۳۳</sup> <sup>۳۴</sup> <sup>۳۵</sup> <sup>۳۶</sup> <sup>۳۷</sup> <sup>۳۸</sup> <sup>۳۹</sup> <sup>۴۰</sup> <sup>۴۱</sup> <sup>۴۲</sup> <sup>۴۳</sup> <sup>۴۴</sup> <sup>۴۵</sup> <sup>۴۶</sup> <sup>۴۷</sup> <sup>۴۸</sup> <sup>۴۹</sup> <sup>۵۰</sup> <sup>۵۱</sup> <sup>۵۲</sup> <sup>۵۳</sup> <sup>۵۴</sup> <sup>۵۵</sup> <sup>۵۶</sup> <sup>۵۷</sup> <sup>۵۸</sup> <sup>۵۹</sup> <sup>۶۰</sup> <sup>۶۱</sup> <sup>۶۲</sup> <sup>۶۳</sup> <sup>۶۴</sup> <sup>۶۵</sup> <sup>۶۶</sup> <sup>۶۷</sup> <sup>۶۸</sup> <sup>۶۹</sup> <sup>۷۰</sup> <sup>۷۱</sup> <sup>۷۲</sup> <sup>۷۳</sup> <sup>۷۴</sup> <sup>۷۵</sup> <sup>۷۶</sup> <sup>۷۷</sup> <sup>۷۸</sup> <sup>۷۹</sup> <sup>۸۰</sup> <sup>۸۱</sup> <sup>۸۲</sup> <sup>۸۳</sup> <sup>۸۴</sup> <sup>۸۵</sup> <sup>۸۶</sup> <sup>۸۷</sup> <sup>۸۸</sup> <sup>۸۹</sup> <sup>۹۰</sup> <sup>۹۱</sup> <sup>۹۲</sup> <sup>۹۳</sup> <sup>۹۴</sup> <sup>۹۵</sup> <sup>۹۶</sup> <sup>۹۷</sup> <sup>۹۸</sup> <sup>۹۹</sup> <sup>۱۰۰</sup> <sup>۱۰۱</sup> <sup>۱۰۲</sup> <sup>۱۰۳</sup> <sup>۱۰۴</sup> <sup>۱۰۵</sup> <sup>۱۰۶</sup> <sup>۱۰۷</sup> <sup>۱۰۸</sup> <sup>۱۰۹</sup> <sup>۱۱۰</sup> <sup>۱۱۱</sup> <sup>۱۱۲</sup> <sup>۱۱۳</sup> <sup>۱۱۴</sup> <sup>۱۱۵</sup> <sup>۱۱۶</sup> <sup>۱۱۷</sup> <sup>۱۱۸</sup> <sup>۱۱۹</sup> <sup>۱۲۰</sup> <sup>۱۲۱</sup> <sup>۱۲۲</sup> <sup>۱۲۳</sup> <sup>۱۲۴</sup> <sup>۱۲۵</sup> <sup>۱۲۶</sup> <sup>۱۲۷</sup> <sup>۱۲۸</sup> <sup>۱۲۹</sup> <sup>۱۳۰</sup> <sup>۱۳۱</sup> <sup>۱۳۲</sup> <sup>۱۳۳</sup> <sup>۱۳۴</sup> <sup>۱۳۵</sup> <sup>۱۳۶</sup> <sup>۱۳۷</sup> <sup>۱۳۸</sup> <sup>۱۳۹</sup> <sup>۱۴۰</sup> <sup>۱۴۱</sup> <sup>۱۴۲</sup> <sup>۱۴۳</sup> <sup>۱۴۴</sup> <sup>۱۴۵</sup> <sup>۱۴۶</sup> <sup>۱۴۷</sup> <sup>۱۴۸</sup> <sup>۱۴۹</sup> <sup>۱۵۰</sup> <sup>۱۵۱</sup> <sup>۱۵۲</sup> <sup>۱۵۳</sup> <sup>۱۵۴</sup> <sup>۱۵۵</sup> <sup>۱۵۶</sup> <sup>۱۵۷</sup> <sup>۱۵۸</sup> <sup>۱۵۹</sup> <sup>۱۶۰</sup> <sup>۱۶۱</sup> <sup>۱۶۲</sup> <sup>۱۶۳</sup> <sup>۱۶۴</sup> <sup>۱۶۵</sup> <sup>۱۶۶</sup> <sup>۱۶۷</sup> <sup>۱۶۸</sup> <sup>۱۶۹</sup> <sup>۱۷۰</sup> <sup>۱۷۱</sup> <sup>۱۷۲</sup> <sup>۱۷۳</sup> <sup>۱۷۴</sup> <sup>۱۷۵</sup> <sup>۱۷۶</sup> <sup>۱۷۷</sup> <sup>۱۷۸</sup> <sup>۱۷۹</sup> <sup>۱۸۰</sup> <sup>۱۸۱</sup> <sup>۱۸۲</sup> <sup>۱۸۳</sup> <sup>۱۸۴</sup> <sup>۱۸۵</sup> <sup>۱۸۶</sup> <sup>۱۸۷</sup> <sup>۱۸۸</sup> <sup>۱۸۹</sup> <sup>۱۹۰</sup> <sup>۱۹۱</sup> <sup>۱۹۲</sup> <sup>۱۹۳</sup> <sup>۱۹۴</sup> <sup>۱۹۵</sup> <sup>۱۹۶</sup> <sup>۱۹۷</sup> <sup>۱۹۸</sup> <sup>۱۹۹</sup> <sup>۲۰۰</sup> <sup>۲۰۱</sup> <sup>۲۰۲</sup> <sup>۲۰۳</sup> <sup>۲۰۴</sup> <sup>۲۰۵</sup> <sup>۲۰۶</sup> <sup>۲۰۷</sup> <sup>۲۰۸</sup> <sup>۲۰۹</sup> <sup>۲۱۰</sup> <sup>۲۱۱</sup> <sup>۲۱۲</sup> <sup>۲۱۳</sup> <sup>۲۱۴</sup> <sup>۲۱۵</sup> <sup>۲۱۶</sup> <sup>۲۱۷</sup> <sup>۲۱۸</sup> <sup>۲۱۹</sup> <sup>۲۲۰</sup> <sup>۲۲۱</sup> <sup>۲۲۲</sup> <sup>۲۲۳</sup> <sup>۲۲۴</sup> <sup>۲۲۵</sup> <sup>۲۲۶</sup> <sup>۲۲۷</sup> <sup>۲۲۸</sup> <sup>۲۲۹</sup> <sup>۲۳۰</sup> <sup>۲۳۱</sup> <sup>۲۳۲</sup> <sup>۲۳۳</sup> <sup>۲۳۴</sup> <sup>۲۳۵</sup> <sup>۲۳۶</sup> <sup>۲۳۷</sup> <sup>۲۳۸</sup> <sup>۲۳۹</sup> <sup>۲۴۰</sup> <sup>۲۴۱</sup> <sup>۲۴۲</sup> <sup>۲۴۳</sup> <sup>۲۴۴</sup> <sup>۲۴۵</sup> <sup>۲۴۶</sup> <sup>۲۴۷</sup> <sup>۲۴۸</sup> <sup>۲۴۹</sup> <sup>۲۵۰</sup> <sup>۲۵۱</sup> <sup>۲۵۲</sup> <sup>۲۵۳</sup> <sup>۲۵۴</sup> <sup>۲۵۵</sup> <sup>۲۵۶</sup> <sup>۲۵۷</sup> <sup>۲۵۸</sup> <sup>۲۵۹</sup> <sup>۲۶۰</sup> <sup>۲۶۱</sup> <sup>۲۶۲</sup> <sup>۲۶۳</sup> <sup>۲۶۴</sup> <sup>۲۶۵</sup> <sup>۲۶۶</sup> <sup>۲۶۷</sup> <sup>۲۶۸</sup> <sup>۲۶۹</sup> <sup>۲۷۰</sup> <sup>۲۷۱</sup> <sup>۲۷۲</sup> <sup>۲۷۳</sup> <sup>۲۷۴</sup> <sup>۲۷۵</sup> <sup>۲۷۶</sup> <sup>۲۷۷</sup> <sup>۲۷۸</sup> <sup>۲۷۹</sup> <sup>۲۸۰</sup> <sup>۲۸۱</sup> <sup>۲۸۲</sup> <sup>۲۸۳</sup> <sup>۲۸۴</sup> <sup>۲۸۵</sup> <sup>۲۸۶</sup> <sup>۲۸۷</sup> <sup>۲۸۸</sup> <sup>۲۸۹</sup> <sup>۲۹۰</sup> <sup>۲۹۱</sup> <sup>۲۹۲</sup> <sup>۲۹۳</sup> <sup>۲۹۴</sup> <sup>۲۹۵</sup> <sup>۲۹۶</sup> <sup>۲۹۷</sup> <sup>۲۹۸</sup> <sup>۲۹۹</sup> <sup>۳۰۰</sup> <sup>۳۰۱</sup> <sup>۳۰۲</sup> <sup>۳۰۳</sup> <sup>۳۰۴</sup> <sup>۳۰۵</sup> <sup>۳۰۶</sup> <sup>۳۰۷</sup> <sup>۳۰۸</sup> <sup>۳۰۹</sup> <sup>۳۱۰</sup> <sup>۳۱۱</sup> <sup>۳۱۲</sup> <sup>۳۱۳</sup> <sup>۳۱۴</sup> <sup>۳۱۵</sup> <sup>۳۱۶</sup> <sup>۳۱۷</sup> <sup>۳۱۸</sup> <sup>۳۱۹</sup> <sup>۳۲۰</sup> <sup>۳۲۱</sup> <sup>۳۲۲</sup> <sup>۳۲۳</sup> <sup>۳۲۴</sup> <sup>۳۲۵</sup> <sup>۳۲۶</sup> <sup>۳۲۷</sup> <sup>۳۲۸</sup> <sup>۳۲۹</sup> <sup>۳۳۰</sup> <sup>۳۳۱</sup> <sup>۳۳۲</sup> <sup>۳۳۳</sup> <sup>۳۳۴</sup> <sup>۳۳۵</sup> <sup>۳۳۶</sup> <sup>۳۳۷</sup> <sup>۳۳۸</sup> <sup>۳۳۹</sup> <sup>۳۴۰</sup> <sup>۳۴۱</sup> <sup>۳۴۲</sup> <sup>۳۴۳</sup> <sup>۳۴۴</sup> <sup>۳۴۵</sup> <sup>۳۴۶</sup> <sup>۳۴۷</sup> <sup>۳۴۸</sup> <sup>۳۴۹</sup> <sup>۳۵۰</sup> <sup>۳۵۱</sup> <sup>۳۵۲</sup> <sup>۳۵۳</sup> <sup>۳۵۴</sup> <sup>۳۵۵</sup> <sup>۳۵۶</sup> <sup>۳۵۷</sup> <sup>۳۵۸</sup> <sup>۳۵۹</sup> <sup>۳۶۰</sup> <sup>۳۶۱</sup> <sup>۳۶۲</sup> <sup>۳۶۳</sup> <sup>۳۶۴</sup> <sup>۳۶۵</sup> <sup>۳۶۶</sup> <sup>۳۶۷</sup> <sup>۳۶۸</sup> <sup>۳۶۹</sup> <sup>۳۷۰</sup> <sup>۳۷۱</sup> <sup>۳۷۲</sup> <sup>۳۷۳</sup> <sup>۳۷۴</sup> <sup>۳۷۵</sup> <sup>۳۷۶</sup> <sup>۳۷۷</sup> <sup>۳۷۸</sup> <sup>۳۷۹</sup> <sup>۳۸۰</sup> <sup>۳۸۱</sup> <sup>۳۸۲</sup> <sup>۳۸۳</sup> <sup>۳۸۴</sup> <sup>۳۸۵</sup> <sup>۳۸۶</sup> <sup>۳۸۷</sup> <sup>۳۸۸</sup> <sup>۳۸۹</sup> <sup>۳۹۰</sup> <sup>۳۹۱</sup> <sup>۳۹۲</sup> <sup>۳۹۳</sup> <sup>۳۹۴</sup> <sup>۳۹۵</sup> <sup>۳۹۶</sup> <sup>۳۹۷</sup> <sup>۳۹۸</sup> <sup>۳۹۹</sup> <sup>۴۰۰</sup> <sup>۴۰۱</sup> <sup>۴۰۲</sup> <sup>۴۰۳</sup> <sup>۴۰۴</sup> <sup>۴۰۵</sup> <sup>۴۰۶</sup> <sup>۴۰۷</sup> <sup>۴۰۸</sup> <sup>۴۰۹</sup> <sup>۴۱۰</sup> <sup>۴۱۱</sup> <sup>۴۱۲</sup> <sup>۴۱۳</sup> <sup>۴۱۴</sup> <sup>۴۱۵</sup> <sup>۴۱۶</sup> <sup>۴۱۷</sup> <sup>۴۱۸</sup> <sup>۴۱۹</sup> <sup>۴۲۰</sup> <sup>۴۲۱</sup> <sup>۴۲۲</sup> <sup>۴۲۳</sup> <sup>۴۲۴</sup> <sup>۴۲۵</sup> <sup>۴۲۶</sup> <sup>۴۲۷</sup> <sup>۴۲۸</sup> <sup>۴۲۹</sup> <sup>۴۳۰</sup> <sup>۴۳۱</sup> <sup>۴۳۲</sup> <sup>۴۳۳</sup> <sup>۴۳۴</sup> <sup>۴۳۵</sup> <sup>۴۳۶</sup> <sup>۴۳۷</sup> <sup>۴۳۸</sup> <sup>۴۳۹</sup> <sup>۴۴۰</sup> <sup>۴۴۱</sup> <sup>۴۴۲</sup> <sup>۴۴۳</sup> <sup>۴۴۴</sup> <sup>۴۴۵</sup> <sup>۴۴۶</sup> <sup>۴۴۷</sup> <sup>۴۴۸</sup> <sup>۴۴۹</sup> <sup>۴۵۰</sup> <sup>۴۵۱</sup> <sup>۴۵۲</sup> <sup>۴۵۳</sup> <sup>۴۵۴</sup> <sup>۴۵۵</sup> <sup>۴۵۶</sup> <sup>۴۵۷</sup> <sup>۴۵۸</sup> <sup>۴۵۹</sup> <sup>۴۶۰</sup> <sup>۴۶۱</sup> <sup>۴۶۲</sup> <sup>۴۶۳</sup> <sup>۴۶۴</sup> <sup>۴۶۵</sup> <sup>۴۶۶</sup> <sup>۴۶۷</sup> <sup>۴۶۸</sup> <sup>۴۶۹</sup> <sup>۴۷۰</sup> <sup>۴۷۱</sup> <sup>۴۷۲</sup> <sup>۴۷۳</sup> <sup>۴۷۴</sup> <sup>۴۷۵</sup> <sup>۴۷۶</sup> <sup>۴۷۷</sup> <sup>۴۷۸</sup> <sup>۴۷۹</sup> <sup>۴۸۰</sup> <sup>۴۸۱</sup> <sup>۴۸۲</sup> <sup>۴۸۳</sup> <sup>۴۸۴</sup> <sup>۴۸۵</sup> <sup>۴۸۶</sup> <sup>۴۸۷</sup> <sup>۴۸۸</sup> <sup>۴۸۹</sup> <sup>۴۹۰</sup> <sup>۴۹۱</sup> <sup>۴۹۲</sup> <sup>۴۹۳</sup> <sup>۴۹۴</sup> <sup>۴۹۵</sup> <sup>۴۹۶</sup> <sup>۴۹۷</sup> <sup>۴۹۸</sup> <sup>۴۹۹</sup> <sup>۵۰۰</sup> <sup>۵۰۱</sup> <sup>۵۰۲</sup> <sup>۵۰۳</sup> <sup>۵۰۴</sup> <sup>۵۰۵</sup> <sup>۵۰۶</sup> <sup>۵۰۷</sup> <sup>۵۰۸</sup> <sup>۵۰۹</sup> <sup>۵۱۰</sup> <sup>۵۱۱</sup> <sup>۵۱۲</sup> <sup>۵۱۳</sup> <sup>۵۱۴</sup> <sup>۵۱۵</sup> <sup>۵۱۶</sup> <sup>۵۱۷</sup> <sup>۵۱۸</sup> <sup>۵۱۹</sup> <sup>۵۲۰</sup> <sup>۵۲۱</sup> <sup>۵۲۲</sup> <sup>۵۲۳</sup> <sup>۵۲۴</sup> <sup>۵۲۵</sup> <sup>۵۲۶</sup> <sup>۵۲۷</sup> <sup>۵۲۸</sup> <sup>۵۲۹</sup> <sup>۵۳۰</sup> <sup>۵۳۱</sup> <sup>۵۳۲</sup> <sup>۵۳۳</sup> <sup>۵۳۴</sup> <sup>۵۳۵</sup> <sup>۵۳۶</sup> <sup>۵۳۷</sup> <sup>۵۳۸</sup> <sup>۵۳۹</sup> <sup>۵۴۰</sup> <sup>۵۴۱</sup> <sup>۵۴۲</sup> <sup>۵۴۳</sup> <sup>۵۴۴</sup> <sup>۵۴۵</sup> <sup>۵۴۶</sup> <sup>۵۴۷</sup> <sup>۵۴۸</sup> <sup>۵۴۹</sup> <sup>۵۵۰</sup> <sup>۵۵۱</sup> <sup>۵۵۲</sup> <sup>۵۵۳</sup> <sup>۵۵۴</sup> <sup>۵۵۵</sup> <sup>۵۵۶</sup> <sup>۵۵۷</sup> <sup>۵۵۸</sup> <sup>۵۵۹</sup> <sup>۵۶۰</sup> <sup>۵۶۱</sup> <sup>۵۶۲</sup> <sup>۵۶۳</sup> <sup>۵۶۴</sup> <sup>۵۶۵</sup> <sup>۵۶۶</sup> <sup>۵۶۷</sup> <sup>۵۶۸</sup> <sup>۵۶۹</sup> <sup>۵۷۰</sup> <sup>۵۷۱</sup> <sup>۵۷۲</sup> <sup>۵۷۳</sup> <sup>۵۷۴</sup> <sup>۵۷۵</sup> <sup>۵۷۶</sup> <sup>۵۷۷</sup> <sup>۵۷۸</sup> <sup>۵۷۹</sup> <sup>۵۸۰</sup> <sup>۵۸۱</sup> <sup>۵۸۲</sup> <sup>۵۸۳</sup> <sup>۵۸۴</sup> <sup>۵۸۵</sup> <sup>۵۸۶</sup> <sup>۵۸۷</sup> <sup>۵۸۸</sup> <sup>۵۸۹</sup> <sup>۵۹۰</sup> <sup>۵۹۱</sup> <sup>۵۹۲</sup> <sup>۵۹۳</sup> <sup>۵۹۴</sup> <sup>۵۹۵</sup> <sup>۵۹۶</sup> <sup>۵۹۷</sup> <sup>۵۹۸</sup> <sup>۵۹۹</sup> <sup>۶۰۰</sup> <sup>۶۰۱</sup> <sup>۶۰۲</sup> <sup>۶۰۳</sup> <sup>۶۰۴</sup> <sup>۶۰۵</sup> <sup>۶۰۶</sup> <sup>۶۰۷</sup> <sup>۶۰۸</sup> <sup>۶۰۹</sup> <sup>۶۱۰</sup> <sup>۶۱۱</sup> <sup>۶۱۲</sup> <sup>۶۱۳</sup> <sup>۶۱۴</sup> <sup>۶۱۵</sup> <sup>۶۱۶</sup> <sup>۶۱۷</sup> <sup>۶۱۸</sup> <sup>۶۱۹</sup> <sup>۶۲۰</sup> <sup>۶۲۱</sup> <sup>۶۲۲</sup> <sup>۶۲۳</sup> <sup>۶۲۴</sup> <sup>۶۲۵</sup> <sup>۶۲۶</sup> <sup>۶۲۷</sup> <sup>۶۲۸</sup> <sup>۶۲۹</sup> <sup>۶۳۰</sup> <sup>۶۳۱</sup> <sup>۶۳۲</sup> <sup>۶۳۳</sup> <sup>۶۳۴</sup> <sup>۶۳۵</sup> <sup>۶۳۶</sup> <sup>۶۳۷</sup> <sup>۶۳۸</sup> <sup>۶۳۹</sup> <sup>۶۴۰</sup> <sup>۶۴۱</sup> <sup>۶۴۲</sup> <sup>۶۴۳</sup> <sup>۶۴۴</sup> <sup>۶۴۵</sup> <sup>۶۴۶</sup> <sup>۶۴۷</sup> <sup>۶۴۸</sup> <sup>۶۴۹</sup> <sup>۶۵۰</sup> <sup>۶۵۱</sup> <sup>۶۵۲</sup> <sup>۶۵۳</sup> <sup>۶۵۴</sup> <sup>۶۵۵</sup> <sup>۶۵۶</sup> <sup>۶۵۷</sup> <sup>۶۵۸</sup> <sup>۶۵۹</sup> <sup>۶۶۰</sup> <sup>۶۶۱</sup> <sup>۶۶۲</sup> <sup>۶۶۳</sup> <sup>۶۶۴</sup> <sup>۶۶۵</sup> <sup>۶۶۶</sup> <sup>۶۶۷</sup> <sup>۶۶۸</sup> <sup>۶۶۹</sup> <sup>۶۷۰</sup> <sup>۶۷۱</sup> <sup>۶۷۲</sup> <sup>۶۷۳</sup> <sup>۶۷۴</sup> <sup>۶۷۵</sup> <sup>۶۷۶</sup> <sup>۶۷۷</sup> <sup>۶۷۸</sup> <sup>۶۷۹</sup> <sup>۶۸۰</sup> <sup>۶۸۱</sup> <sup>۶۸۲</sup> <sup>۶۸۳</sup> <sup>۶۸۴</sup> <sup>۶۸۵</sup> <sup>۶۸۶</sup> <sup>۶۸۷</sup> <sup>۶۸۸</sup> <sup>۶۸۹</sup> <sup>۶۹۰</sup> <sup>۶۹۱</sup> <sup>۶۹۲</sup> <sup>۶۹۳</sup> <sup>۶۹۴</sup> <sup>۶۹۵</sup> <sup>۶۹۶</sup> <sup>۶۹۷</sup> <sup>۶۹۸</sup> <sup>۶۹۹</sup> <sup>۷۰۰</sup> <sup>۷۰۱</sup> <sup>۷۰۲</sup> <sup>۷۰۳</sup> <sup>۷۰۴</sup> <sup>۷۰۵</sup> <sup>۷۰۶</sup> <sup>۷۰۷</sup> <sup>۷۰۸</sup> <sup>۷۰۹</sup> <sup>۷۱۰</sup> <sup>۷۱۱</sup> <sup>۷۱۲</sup> <sup>۷۱۳</sup> <sup>۷۱۴</sup> <sup>۷۱۵</sup> <sup>۷۱۶</sup> <sup>۷۱۷</sup> <sup>۷۱۸</sup> <sup>۷۱۹</sup> <sup>۷۲۰</sup> <sup>۷۲۱</sup> <sup>۷۲۲</sup> <sup>۷۲۳</sup> <sup>۷۲۴</sup> <sup>۷۲۵</sup> <sup>۷۲۶</sup> <sup>۷۲۷</sup> <sup>۷۲۸</sup> <sup>۷۲۹</sup> <sup>۷۳۰</sup> <sup>۷۳۱</sup> <sup>۷۳۲</sup> <sup>۷۳۳</sup> <sup>۷۳۴</sup> <sup>۷۳۵</sup> <sup>۷۳۶</sup> <sup>۷۳۷</sup> <sup>۷۳۸</sup> <sup>۷۳۹</sup> <sup>۷۴۰</sup> <sup>۷۴۱</sup> <sup>۷۴۲</sup> <sup>۷۴۳</sup> <sup>۷۴۴</sup> <sup>۷۴۵</sup> <sup>۷۴۶</sup> <sup>۷۴۷</sup> <sup>۷۴۸</sup> <sup>۷۴۹</sup> <sup>۷۵۰</sup> <sup>۷۵۱</sup> <sup>۷۵۲</sup> <sup>۷۵۳</sup> <sup>۷۵۴</sup> <sup>۷۵۵</sup> <sup>۷۵۶</sup> <sup>۷۵۷</sup> <sup>۷۵۸</sup> <sup>۷۵۹</sup> <sup>۷۶۰</sup> <sup>۷۶۱</sup> <sup>۷۶۲</sup> <sup>۷۶۳</sup> <sup>۷۶۴</sup> <sup>۷۶۵</sup> <sup>۷۶۶</sup> <sup>۷۶۷</sup> <sup>۷۶۸</sup> <sup>۷۶۹</sup> <sup>۷۷۰</sup> <sup>۷۷۱</sup> <sup>۷۷۲</sup> <sup>۷۷۳</sup> <sup>۷۷۴</sup> <sup>۷۷۵</sup> <sup>۷۷۶</sup> <sup>۷۷۷</sup> <sup>۷۷۸</sup> <sup>۷۷۹</sup> <sup>۷۸۰</sup> <sup>۷۸۱</sup> <sup>۷۸۲</sup> <sup>۷۸۳</sup> <sup>۷۸۴</sup> <sup>۷۸۵</sup> <sup>۷۸۶</sup> <sup>۷۸۷</sup> <sup>۷۸۸</sup> <sup>۷۸۹</sup> <sup>۷۹۰</sup> <sup>۷۹۱</sup> <sup>۷۹۲</sup> <sup>۷۹۳</sup> <sup>۷۹۴</sup> <sup>۷۹۵</sup> <sup>۷۹۶</sup> <sup>۷۹۷</sup> <sup>۷۹۸</sup> <sup>۷۹۹</sup> <sup>۸۰۰</sup> <sup>۸۰۱</sup> <sup>۸۰۲</sup> <sup>۸۰۳</sup> <sup>۸۰۴</sup> <sup>۸۰۵</sup> <sup>۸۰۶</sup> <sup>۸۰۷</sup> <sup>۸۰۸</sup> <sup>۸۰۹</sup> <sup>۸۱۰</sup> <sup>۸۱۱</sup> <sup>۸۱۲</sup> <sup>۸۱۳</sup> <sup>۸۱۴</sup> <sup>۸۱۵</sup> <sup>۸۱۶</sup> <sup>۸۱۷</sup> <sup>۸۱۸</sup> <sup>۸۱۹</sup> <sup>۸۲۰</sup> <sup>۸۲۱</sup> <sup>۸۲۲</sup> <sup>۸۲۳</sup> <sup>۸۲۴</sup> <sup>۸۲۵</sup> <sup>۸۲۶</sup> <sup>۸۲۷</sup> <sup>۸۲۸</sup> <sup>۸۲۹</sup> <sup>۸۳۰</sup> <sup>۸۳۱</sup> <sup>۸۳۲</sup> <sup>۸۳۳</sup> <sup>۸۳۴</sup> <sup>۸۳۵</sup> <sup>۸۳۶</sup> <sup>۸۳۷</sup> <sup>۸۳۸</sup> <sup>۸۳۹</sup> <sup>۸۴۰</sup> <sup>۸۴۱</sup> <sup>۸۴۲</sup> <sup>۸۴۳</sup> <sup>۸۴۴</sup> <sup>۸۴۵</sup> <sup>۸۴۶</sup> <sup>۸۴۷</sup> <sup>۸۴۸</sup> <sup>۸۴۹</sup> <sup>۸۵۰</sup> <sup>۸۵۱</sup> <sup>۸۵۲</sup> <sup>۸۵۳</sup> <sup>۸۵۴</sup> <sup>۸۵۵</sup> <sup>۸۵۶</sup> <sup>۸۵۷</sup> <sup>۸۵۸</sup> <sup>۸۵۹</sup> <sup>۸۶۰</sup> <sup>۸۶۱</sup> <sup>۸۶۲</sup> <sup>۸۶۳</sup> <sup>۸۶۴</sup> <sup>۸۶۵</sup> <sup>۸۶۶</sup> <sup>۸۶۷</sup> <sup>۸۶۸</sup> <sup>۸۶۹</sup> <sup>۸۷۰</sup> <sup>۸۷۱</sup> <sup>۸۷۲</sup> <sup>۸۷۳</sup> <sup>۸۷۴</sup> <sup>۸۷۵</sup> <sup>۸۷۶</sup> <sup>۸۷۷</sup> <sup>۸۷۸</sup> <sup>۸۷۹</sup> <sup>۸۸۰</sup> <sup>۸۸۱</sup> <sup>۸۸۲</sup> <sup>۸۸۳</sup> <sup>۸۸۴</sup> <sup>۸۸۵</sup> <sup>۸۸۶</sup> <sup>۸۸۷</sup> <sup>۸۸۸</sup> <sup>۸۸۹</sup> <sup>۸۹۰</sup> <sup>۸۹۱</sup> <sup>۸۹۲</sup> <sup>۸۹۳</sup> <sup>۸۹۴</sup> <sup>۸۹۵</sup> <sup>۸۹۶</sup> <sup>۸۹۷</sup> <sup>۸۹۸</sup> <sup>۸۹۹</sup> <sup>۹۰۰</sup> <sup>۹۰۱</sup> <sup>۹۰۲</sup> <sup>۹۰۳</sup> <sup>۹۰۴</sup> <sup>۹۰۵</sup> <sup>۹۰۶</sup> <sup>۹۰۷</sup> <sup>۹۰۸</sup> <sup>۹۰۹</sup> <sup>۹۱۰</sup> <sup>۹۱۱</sup> <sup>۹۱۲</sup> <sup>۹۱۳</sup> <sup>۹۱۴</sup> <sup>۹۱۵</sup> <sup>۹۱۶</sup> <sup>۹۱۷</sup> <sup>۹۱۸</sup> <sup>۹۱۹</sup> <sup>۹۲۰</sup> <sup>۹۲۱</sup> <sup>۹۲۲</sup> <sup>۹۲۳</sup> <sup>۹۲۴</sup> <sup>۹۲۵</sup> <sup>۹۲۶</sup> <sup>۹۲۷</sup> <sup>۹۲۸</sup> <sup>۹۲۹</sup> <sup>۹۳۰</sup> <sup>۹۳۱</sup> <sup>۹۳۲</sup> <sup>۹۳۳</sup> <sup>۹۳۴</sup> <sup>۹۳۵</sup> <sup>۹۳۶</sup> <sup>۹۳۷</sup> <sup>۹۳۸</sup> <sup>۹۳۹</sup> <sup>۹۴۰</sup> <sup>۹۴۱</sup> <sup>۹۴۲</sup> <sup>۹۴۳</sup> <sup>۹۴۴</sup> <sup>۹۴۵</sup> <sup>۹۴۶</sup> <sup>۹۴۷</sup> <sup>۹۴۸</sup> <sup>۹۴۹</sup> <sup>۹۵۰</sup> <sup>۹۵۱</sup> <sup>۹۵۲</sup> <sup>۹۵۳</sup> <sup>۹۵۴</sup> <sup>۹۵۵</sup> <sup>۹۵۶</sup> <sup>۹۵۷</sup> <sup>۹۵۸</sup> <sup>۹۵۹</sup> <sup>۹۶۰</sup> <sup>۹۶۱</sup> <sup>۹۶۲</sup> <sup>۹۶۳</sup> <sup>۹۶۴</sup> <sup>۹۶۵</sup> <sup>۹۶۶</sup> <sup>۹۶۷</sup> <



## پانوشتها

۱. آل عمران، ۱۰۳.
۲. حجرات، ۱۰.
۳. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۱۹، چاپ بیروت، ۸ جلدی.
۴. محجة البيضاء، ج ۳، ص ۳۳۲، چاپ بیروت، ۸ جلدی.
۵. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۳.
۶. مؤمنون، ۵۲-۵۴.
۷. آل عمران، ۱۰۵.
۸. انفال، ۴۶.
۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷، فیض الاسلام ۳۹۲.
۱۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵، فیض الاسلام ۵۷۶.
۱۱. ص، ۲۶.
۱۲. نساء، ۱۳۵.
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۵۰، فیض الاسلام ۱۳۷.
۱۴. نهج البلاغه، خطبه ۴۲، فیض الاسلام ۱۲۷.
۱۵. قصص، ۴.
۱۶. نحل، ۹۰.
۱۷. مائده، ۸.
۱۸. نهج البلاغه، نامه ۵۳، فیض الاسلام ۹۹۶.
۱۹. نهج البلاغه، نامه ۵۳، فیض الاسلام ۱۰۰۶.
۲۰. فرياد عدالت، ص ۱۰۴.
۲۱. انفال، ۴۶.
۲۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴، فیض الاسلام ۸۰۳.
۲۳. تفسیر رازی، ج ۲، ص ۴۵۰.
۲۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۳۴، فیض الاسلام ۸۰۲.
۲۵. اسلام و ملی گرایی از دکتر تقوی، ص ۳۴-۴۰.
۲۶. نهج البلاغه، نامه ۳۱، فیض الاسلام ۹۳۹.
۲۷. آل عمران، ۱۰۳.
۲۸. اعراف، ۳۸.
۲۹. حجر، ۴۷.
۳۰. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱/۳۰۷.

شدن انقلاب اسلامی، گذشت نمایم و با سعه صدر، مسایل را حل نمایم و بجای جواب از لوله تفنگ، بازار بیان و منطق را رونق بخشیم و با استدلال و برهان همدیگر را قناعت دهیم، تا رژیمهای دیکتاتوری الجزایر و مصر و... تبلیغ نکنند: اسلام خواهانی که بر ضد رژیم ما مبارزه می کنند و دم از پیاده کردن قانون اسلام می زنند، می خواهند نظام شبیه افغانستان روی کار آورند که دستاوردش هرج و مرج و خونریزی می باشد.

در پایان این نوشتار فشرده و در مقام نتیجه گیری لازم است تأکید نمایم که مسئولین، علما، روشنفکران و آنانی که نمی خواهند افتخارات چهارده سال جهاد، پیروزی بر «ارتش سرخ» درهم پیچیدن بساط کمونیسم، رهاورد انقلاب شکوهمند اسلامی و براندازی رژیم کمونیستی و... به باد رود و خواهان عزت و اقتدار ملت و سازندگی و امنیت کشور هستند، باید در جهت ایجاد وحدت، اخوت و برادری و در راستای برچیدن بساط کینه، عداوت، جنگ و برادرکشی تلاش و تکاپو کنند، و طرفهای درگیر با سعه صدر و در نظر گرفتن واقعیتها و دست کشیدن از انحصار طلب، به این نابسامانی موجود خاتمه بخشند، زیرا تجربه نشان داده که سرکوب، جنگ و درگیری داخلی و مطالبات سیاسی و مطالبات علمی و معنوی را حل نماید و گره سیاسی را باز کند، و یا گروه و ملتی را از صحنه بردارد.

خداوند تبارک و تعالی بحق خون شهداء راه حاکمیت اسلام و استقرار عدالت اجتماعی در طول تاریخ و در کشور ما، بویژه رهبر شهید استاد مزاری علیه الرحمه، ما را به مسؤلیت اسلامی انسانی و ملی مان آشنا بگرداند و دستهای ماجراجو، اختلاف انداز، نژاد پرست، انحصارگرا و جاه طلب را از سر ملت ما کوتاه نماید تا در سرزمین ما ثبات، امنیت و اخوت پدید آید.

والسلام علی من اتبع الهدی

۷۴/۵/۵